



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان


گامی



رسالت
علیهما الصلوات
والتسلیمات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

اسلامی اور مذہبی نامہ
قرآنی اور حدیث نامہ



مرزا بان امامت و ولایت
آیت اللہ علیہ السلام



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اجمالی از زندگی‌نامه

نویسنده:

آیت الله سید حسن فقیه امامی (ره)

ناشر چاپی:

بیت آقا

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	اجمالی از زندگینامه
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۷	تولد
۷	نسب
۸	دودمان علمی
۹	اشاره در این خاندان شخصیت‌های معروف و مشهوری بوده‌اند که اکثراً از علما و پیشوایان دینی به شمار آمده و پیوسته مورد احترام و مراجعه مردم ق
۸	۱ - جد: میر سید محمد امامی (فرزند سید عبدالباقی)
۹	۲ - جد مادری: مرحوم حاج سید محمد حسین امامی (قوام‌المحدثین)
۹	۳ - مرحوم حاج سید ابوالفضل امامی (مشکوٰۃ الواعظین)
۹	۴ - آقا سید عبدالباقی امامی (فرزند سید میرزا)
۱۰	۵ - جد اعلی: سید علی امامی العریضی
۱۰	۶ - امیر سید محمد حسینی امامی
۱۰	۷ - امیر ابوطالب امامی (فرزند سید اسد الله)
۱۱	۸ - ابوالحسن علی ملقب به زین العابدین (معروف به امامزاده درب امام)
۱۱	۹ - جد اعلی: ابوالحسن علی عریضی، فرزند امام صادق علیه السلام
۱۲	تحصیل
۱۲	تدریس:
۱۳	مشایخ اجازه:
۱۳	تألیفات:
۱۴	شعر
۱۵	ویژگی‌های اخلاقی

- ۱۵ ارادت به اهل بیت علیهم السلام
- ۱۵ ذکر زبانی او
- ۱۵ خدمات علمی
- ۱۵ تأسیس مدرسه ذوالفقار
- ۱۶ خدمات فرهنگی، اجتماعی
- ۱۷ فرزندان آیه الله فقید
- ۱۸ رحلت:
- ۱۸ فراهائی از وصیت نامه
- ۲۲ آیه الله امامی قدس سره در رثای شاعران
- ۲۳ پاورقی ها
- ۲۶ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

اجمالی از زندگینامه

مشخصات کتاب

سرشناسه: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۰ عنوان و نام پدیدآور: اجمالی از زندگینامه مرحوم آیه الله حاج سید حسن فقیه امامی (ره) / مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان ناشر چاپی: بیت معظم له مشخصات نشر دیجیتالی: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان ۱۳۹۰. مشخصات ظاهری: نرم افزار تلفن همراه، رایانه و کتاب موضوع: زندگینامه

اشاره

أَعْلَى اللَّهِ مَقَامَهُ الشَّرِيفَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ «الْعُلَمَاءُ بِأَقْوَنَ مَا بَقِيَ الدَّهْرُ، أَعْيَانُهُمْ مَفْقُودَةٌ وَأَمْثَالُهُمْ فِي الْقُلُوبِ مَوْجُودَةٌ» (۱)
عالمان ربّانی تا جهان باقی است باقی و ماندگارند، جسم آنها در نقاب خاک از چشم‌ها پنهان

تولد

عالم فقیه و مجتهد خبیر مرحوم آیه الله حاج سید حسن فقیه امامی - اعلی الله مقامه الشریف - در اول صفر المظفر ۱۳۵۴ قمری برابر با سال ۱۳۱۳ شمسی، در خاندانی علمی و محله‌ای مذهبی در جوار امام زاده عظیم الشان ابوالحسن زین العابدین علی، معروف به «امامزاده درب امام»، پا به عرصه گیتی گذاشتند.

نسب

نسب شریف ایشان با سی واسطه به رئیس مذهب، حضرت امام جعفر صادق علیه السلام می‌رسد، که بدین ترتیب است: آیه الله سید حسن فقیه امامی، فرزند آیه الله حاج سید عطاء الله فقیه امامی، فرزند عالم فاضل مدرّس سید محمد امامی، فرزند عالم کامل حاج سید عبدالباقی (۲)، فرزند سید میرزا، فرزند میر محمد صادق، فرزند محدث و فقیه متبحر سید علی امامی عریضی، فرزند میر محمد (مستوفی الأوقاف)، فرزند سید اسد الله، فرزند میر ابوطالب، فرزند سید اسد الله، فرزند شاه حیدر، فرزند عضد الدین، فرزند امیر حاج، فرزند شاه علی، فرزند جلال الدین جعفر، فرزند کمال الدین مرتضی، فرزند عضد الدین یحیی فرزند قوام الدین جعفر، فرزند شمس الدین محمد، فرزند نظام الدین اشرف، فرزند قوام الدین جعفر، فرزند مجدالدین حسن، فرزند وجیه الدین مسعود، فرزند قوام الدین جعفر، فرزند شمس الدین محمد (۳)، فرزند ابوالحسن علی ملقب به زین العابدین، فرزند نظام الدین احمد ابیح (ابیح)، فرزند شمس الدین عیسی ملقب به رومی (۴)، فرزند جمال الدین محمد، فرزند علی عریضی، فرزند امام جعفر صادق علیه السلام (۵). پدر: مرحوم آیه الله حاج سید عطاء الله فقیه امامی معظم له از علماء و مجتهدین بزرگ اصفهان مانند: آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی، آقا سید محمد باقر درچه‌ای و آقا سید مهدی درچه‌ای، و همچنین مراجع و اعلام حوزه علمیه نجف: آقا ضیاء الدین عراقی، آقا سید محمد فیروزآبادی، آقا سید ابوالحسن اصفهانی کسب فیض نمود، و به مقام منبع اجتهاد نائل گردید. ایشان مفتخر به کسب اجازه روایتی به تاریخ شب عید نوروز نهم شوال ۱۳۴۷ ق، از مرحوم علامه آقا شیخ محمد رضا نجفی شدند، که در آن تصریح به اجتهاد ایشان شده و به تصدیق مراجع عظام: آقا سید ابوالحسن اصفهانی، میرزا محمد حسین نائینی، و حاج شیخ عبدالکریم حائری، نیز رسیده است. در این اجازه مرحوم نجفی شاگرد را چنین توصیف می‌کند: «...السید الأجل الشریف و العالم العامل الغطریف، حاوی فنّ الفقه مبتیاً علی أصوله و مقنن قوانینه و مفصل فصوله، محیی مراسم الخیر بمسالک و مستنبط مسائله من مدارک الناظم

فی سلك التحریر جواهر الکلام و المجتبی من ریاض المسائل زواهر الأحكام، الجامع من الحسب و النسب بین المنقبتین و من العلم و العمل بین السعادتین، ذا المرتبۃ العالیۃ الشامخۃ و الملكۃ القدسیۃ الراسخۃ العظامی السید عطاء اللہ الامامی أعطاه اللہ فی الدارین مبتغاه و بلّغه من أمله منتهاه...» (۶) مرحوم حاج سید محمد علی مبارکه‌ای ضمن شرح حال پدر مرحوم حاج سید عطاء اللہ، از ایشان چنین یاد کرده: فرزند ارجمندش مسمی به آقا عطاء اللہ نیز از جمله دانشمندان دینی و فضیلا روحانی عصر است که در مدرسه نیم آورد به تدریس اشتغال دارد و به نماز جماعت در مسجد باغچه عباسی در ظهر و شب قیام می‌نماید و از برای ارشاد عوام زبانی سودمند دارد. (۷) از تألیفات این عالم فقیه می‌توان به: تقریرات درس اصول مرحوم علامه شیخ محمد رضا نجفی، اشاره کرد. وی سرانجام در ۲۴ جمادی الأولى ۱۳۸۷ هـ ق، دعوت حق را لیبیک گفته و در تخت فولاد اصفهان، تکیه فاضل سراب، به خاک سپرده شد. مادر: مرحومه علویّه محترمه گوهر بیگم دختر خطیب شهیر حاج سید محمّد حسین امامی العریضی معروف به «قوم المحدثین» بوده است و از این بانو دو فرزند پسر یکی: مرحوم آیه اللہ حاج سید احمد فقیه امامی، و دیگری مرحوم آیه اللہ حاج سید حسن فقیه امامی، و چهار دختر باز ماند. برادر: مرحوم آیه اللہ حاج سید احمد فقیه امامی عالم عامل و مجاهد بارع و فقیه جامع، استاد حوزه علمیه و سنگردار آثار دینی، چهره درخشان خطابه و منبر، شمع فروزان مسجد و محراب، مرحوم آیت اللہ حاج سید احمد فقیه امامی، در تاریخ ۱۷ ربیع الاول ۱۳۵۲ قمری برابر با سال ۱۳۱۲ شمسی، همزمان با سالروز میلاد مبارک خاتم الانبیاء حضرت محمّد بن عبد اللہ صلی الله علیه و آله و هم چنین سالروز میلاد مبارک امام جعفر صادق علیه السلام در خاندانی علمی و با ایمان، پا به عرصه این جهان گذاشتند. در حوزه علمیه اصفهان و قم تحصیل علم نمودند و در زادگاه خویش - شهر مذهبی و ولایت اصفهان - به تدریس و تألیف و تبلیغ پرداخته و به عنوان عالمی بزرگ و پیشوائی نامدار و مجاهدی خستگی‌ناپذیر، درخشیدند. بعضی از تألیفات این فقیه عالیقدر عبارتند از: ۱- رساله فی البیع ۲- رساله‌ای درباره معراج نبی اکرم صلی الله علیه و آله وسلم ۳- رساله‌ای در معاد ۴- رساله‌ای در اجتهاد و تقلید ۵- شرح دعاء عرفه امام حسین علیه السلام. سرانجام ایشان در تاریخ دهم جمادی الثانیۃ ۱۴۱۴ قمری، با قلبی پر درد و دلی آکنده از غم، ولی نورانی به نور ولایت و دل‌باخته حق و خاندان عصمت و طهارت، بدرود حیات گفتند و در جوار امامزاده عظیم الشان آقا ابوالعباس، از فرزندان و نسل پرچمدار بزرگ نهضت کربلا ابوالفضل العباس علیه السلام، مدفون گردیدند. (۸)

دودمان علمی

اشاره در این خاندان شخصیت‌های معروف و مشهوری بوده‌اند که اکثراً از علما و پیشوایان دینی به شمار آمده و پیوسته مورد احترام و مراجعه مردم قرار گرفته‌اند؛ در اینجا به نام و شرح حال مختصر نئی چند از آنها بسنده می‌کنیم.

۱ - جدّ: میر سید محمد امامی (فرزند سید عبدالباقی)

متولد حدود سال ۱۲۷۶ ق، از علماء معمر و مشهور به زهد بوده که در مدرسه نیم آور به تدریس فقه و اصول اشتغال داشته است. مرحوم حاج سید محمّد علی مبارکه‌ای درباره وی می‌نویسد: از سلسله امامیه اصفهان است که معروف به سادات درب امام می‌باشد. آباء کرام و اجدادش در زمان صفویّه و بعد از آن از وجوه و بزرگان اهل علم و دانش و کمالات بوده‌اند و در خصوص نوشتن خطّ ثلث ممتاز بوده‌اند. مشار إلیه از جمله دانشمندان و سادات عالی‌مقدار معاصرین است که الحال قریب هشتاد سال از مراحل زندگانی را به پایان رسانیده و در مطبوعات دینی زحمتی متحمل شده و در تصحیح کتب دینی که اغلب به طبع رسیده، خدمات شایان نموده است. و در فنون ادبیّه از جمله کاملین است. (۹) این عالم پر تلاش سرانجام در ۱۵ ذی القعدة ۱۳۵۹ ق وفات یافت و با اجازه آیه اللہ حاج سید علی نجف آبادی قدس سره در قبر جدّ مادری خود مرحوم پیشنماز عاملی، در تخت فولاد اصفهان

تکیه آقا رضی الدین، دفن گردید. (۱۰)

۲ - جد مادری: مرحوم حاج سید محمد حسین امامی (قوام‌المحدثین)

سید محمد حسین فرزند عالم جلیل حاج سید عبدالباقی (۱۱)، فرزند سید میرزا، فرزند میر محمد صادق، فرزند سید علی امامی عریضی، برادر مرحوم آقا سید محمد تولدش ظاهراً قبل از سال ۱۲۹۶ ق بوده، زیرا وفات این واعظ جلیل در سال ۱۳۴۶ ق اتفاق افتاده که در آن تاریخ بیش از پنجاه سال از حیات پر فروغش گذشته بوده است. مرحوم حاج سید محمد حسین امامی، یکی از واعظان شهیر و محدثان خیر اصفهان بوده، که علاوه بر معلومات بسیار و احاطه بر آیات قرآن و روایات معصومین علیهم السلام، در فن خطابه استادی بی نظیر بوده، و چهره جذّاب و صدای زیبایی نیز داشته است. شهرت او تا به جایی بود که مرجع نامدار مرحوم آقا شیخ محمد تقی مسجد شاهی معروف به «آقا نجفی»، از وی برای سخنرانی در مجالس مهم دعوت به عمل می‌آورد. (۱۲) شهرت مرحوم حاج سید محمد حسین خاصّ به شهر اصفهان نبوده، بلکه زمانی ایشان در شهر مقدّس مشهد در مسجد گوهرشاد به ایراد خطابه و سخنرانی می‌پردازد، که سخنان وی بسیار مورد توجه مردم و به ویژه متولّی آن وقت آستان قدس رضوی قرار می‌گیرد (۱۳)، و وی به ایشان ضمن لوح تقدیر نامه‌ای، لقب «قوام‌المحدثین» را اعطاء می‌کند، که از آن زمان به بعد مرحوم حاج سید محمد حسین در نزد عامّه مردم به «حاجی قوام» معروف و مشهور می‌شود. علاوه بر این، متولّی آستان قدس رضوی هر سال از مرحوم قوام برای سخنرانی در مسجد گوهرشاد دعوت به عمل می‌آورده است. (۱۴) سرانجام حاج میر محمد حسین امامی العریضی، ملقب به «قوام‌المحدثین»، در روز نهم ماه شعبان المعظم سال یکهزار و سیصد و چهل و شش هجری قمری (۱۵)، در حالی که بیش از پنجاه سال از عمر پر برکتش گذشته بود، در اصفهان وفات یافت و در قبرستان تخت فولاد اصفهان در تکیه «فاضل سراب» (۱۶) به خاک سپرده شد. لازم به ذکر است مجموعه اول سخنرانی‌های جذّاب ایشان در کتابی به نام «یادگاری از خطباء پیشین» که به همت سبط ایشان مرحوم آیه الله حاج سید حسن فقیه امامی به زیور طبع آراسته شده است.

۳ - مرحوم حاج سید ابوالفضل امامی (مشکوّه الواعظین)

مرحوم حاج سید ابوالفضل فرزند حاج محمد حسین قوام‌المحدثین، واعظ جلیل و خطیب فاضل، معروف به «مشکوّه الواعظین»، دائی مرحوم آیه الله حاج آقا حسن فقیه امامی بوده است. وی در میان اهل منبر اصفهان از شهرت بسیاری برخوردار بوده؛ صدای زیبا و حُسن خُلق و چهره ملیح او نقش بسیاری در شهرت و موفقیت او داشته است. مرحوم قوام‌المحدثین پدر مرحوم مشکوّه، سال تولّد وی را با این عبارات زیبا ثبت کرده: بسم الله الرحمن الرحيم، تاریخ تولّد نور چشم کرام چاکر آستان ملک پاسبان حضرت ابا عبدالله الحسین روحنا فداه امیرزا ابوالفضل روز پنجشنبه چهاردهم شهر جمادی الأولى تقریباً نیم ساعت به ظهر مانده سنه ۱۳۱۷، خداوند قدمش را میمون و مبارک بگرداند، مع طول عمر و وسعت رزق، علم و عمل و فضل و شرف بحقّ محمد و آلّه الأطهار. (۱۷) سرانجام این خطیب شهیر و توانا، و خدمتگزار با اخلاص آستان مقدّس حسینی، پس از هفتاد و پنج سال عمر پر خیر و برکت، در روز عید قربان سال یکهزار و سیصد و نود و دو هجری قمری جان به جان آفرین تسلیم گفت و سپس در قبرستان تخت فولاد در تکیه فاضل سراب به خاک سپرده شد.

۴ - آقا سید عبدالباقی امامی (فرزند سید میرزا)

وی از علماء مورد احترام بوده، و در مقامات علمی به مرتبه‌ای بلند دست یافته، و مستجاب الدعوه بوده و دعایی که در مورد اولاد و نسل خود کرده به هدف اجابت رسیده است. آن بزرگوار در حرم امام حسین علیه السلام، بالای سر مطهر (در فاصله تقریباً پنج

متری) دفن شده، و به شرف قرب به حریم حسینی نائل گردیده است. (۱۸)

۵ - جدّ اعلی: سید علی امامی العریضی

حکیم محقق و فقیه متبحر، یکی از مهمترین چهره‌های علمی خاندان امامی، و از شاگردان محقق نامدار و استاد الكلّ آقا حسین خوانساری رحمه الله، و نیز علامه مجلسی قدس سره (۱۹) بوده است. بسیاری از علما او را ستوده‌اند، از جمله: عالم محقق مرحوم میرزا عبدالله افندی، در کتاب معروف خود «ریاض العلماء و حیاض الفضلاء» از او چنین یاد می‌کند: «السید علی بن السید محمّد المعروف بالإمامی الاصبهانی، فاضل معاصر، قد قرأ فی أوائل تحصیله علی الأستاذ المحقق، ثمّ سافر مع والده إلى الدیار الهندیة أو بالعکس، فلاحظ. و كان والده مستوفی الموقوفات العامیة» (۲۰). و مرحوم سید حسن صدر (ت ۱۳۵۴ ق) درباره وی می‌نویسد: «السید علی بن السید محمّد بن السید أسدالله من السادة العریضیة، ابن علی بن جعفر العریضی المعروف فی اصفهان بالإمامیة...، كان من أعلام علماء عصر العلامه المجلسی». (۲۱) همچنین مرحوم شیخ عباس قمی از او چنین یاد کرده: «علی بن محمّد بن أسدالله الاصفهانی المعروف بالإمامی - نور الله مرقده السامی - سید فاضل کامل حسیب نسیب اذیب اریب تلمیذ علامه مجلسی رحمه الله و صاحب کتاب تراجیح در فقه». (۲۲) او تألیفات و آثار علمی بسیاری از خود به جای گذاشته که بدین قرار است: ۱ - الترجیحات در فقه، که چند جلد بزرگ بوده و در آن اقوال فقهاء و عبارات آنها را آورده است. (۲۳) ۲ - مجمع البحرین؛ موضوع این کتاب حدیث است که مؤلف در مقدمه دو کتاب خود: جنّه الفردوس و جنّه السلام، به نام این کتاب اشاره نموده، و می‌نویسد: در چهل و پنج مجلد می‌باشد. (۲۴) ۳ - تذکره امامی؛ وی در این کتاب احکام فقهی فتوایی را از کتاب طهارت تا دیات به روش تقسیم بندی کتاب شرایع الإسلام، به جهت خواص و عوام به فارسی نگاشته است و گاهی به ادله نیز اشاره می‌نماید. (۲۵) ۴ - ثقّة الإمامیة؛ این کتاب به زبان عربی و در موضوع فقه نگاشته شده است. (۲۶) ۵ - جامع سلیمانی؛ کتابی است ارزشمند و منحصر به فرد که در آن احادیثی برگزیده در شرح احوال انبیاء و ائمه طاهرین علیهم السلام و اخلاق اسلامی آمده است. (۲۷) ۶ - کتاب هشت بهشت، که شرح و ترجمه هشت کتاب از کتاب‌های حدیث شیعه است. سال وفات این عالم فاضل معلوم نیست، اما مرحوم میرزا عبدالله افندی اصفهانی در کتاب «ریاض العلماء» در ضمن شرح احوال وی می‌نویسد: «... و مات هذا السید فی هذه الأعصار باصفهان» (۲۸)؛ که شاید بعضی با توجه به همین عبارت مرحوم افندی، درگذشت وی را حدود سال ۱۱۲۰ ه ق دانسته‌اند. (۲۹) مدفن این عالم ربّانی نیز متأسفانه مشخص نیست، ولی به گمان بعضی در صحن درب امام یا رواق آنجا می‌باشد. (۳۰)

۶ - امیر سید محمّد حسینی امامی

حکیم و فقیه پارسا، از شاگردان مرحوم میر سید احمد علوی عاملی (متوفی قبل ۱۰۶۰ ق) داماد و پسر خاله مرحوم میرداماد، بوده که دروس فراوانی مانند: فقه و اصول و حدیث و کلام و حکمت را در محضر او فرا گرفته و مفتخر به کسب اجازه از وی نیز گردیده؛ امیر سید محمّد در این اجازه چنین توصیف شده: «السید الأجلّ الفاضل ذا النسب الطاهر والحسب الباهر نتیجة دوحه الفضل والافضال و ثمره شجرة العلم والكمال أعنى سامی الرتبة عالی المرتبة ینبوع الفضائل والمعالی متبوع الأعظم والأهالی کمال للسیادة والنقابة والنجابه والهدایة والافاضة امیر سید محمّد الحسنی الإمامی». (۳۱) امیر سید محمّد علاوه بر مقام علمی، مدّتی دارای منصب مستوفی موقوفات عامّه (۳۲) و نیز نقابت بوده است. (۳۳) مرحوم افندی اصفهانی می‌نویسد: «ثمّ سافر مع والده إلى الدیار الهندیة أو بالعکس، فلاحظ. و كان والده مستوفی الموقوفات العامّة و كان یسکن باصفهان ثمّ عزل». (۳۴)

۷ - امیر أبوطالب امامی (فرزند سید اسد الله)

جدّ اعلاّی میر سید علی امامی، از حکما و بزرگان عصر شاه طهماسب صفوی، و عهده دار تولیت آستانه و بقعه شریفه زین العابدین علی (امام زاده درب امام) بوده است. (۳۵) به نوشته صاحب کتاب «تاریخ عالم آرا»: او خود را در علوم عقلیه و مباحث حکمت، مقدّم بر اقران خود می‌دانسته است. (۳۶)

۸ - ابوالحسن علی ملقب به زین العابدین (معروف به امامزاده درب امام)

وی از امام زادگان بسیار معروف و محترم اصفهان (معروف به امام زاده درب امام) است، که در اوائل قرن پنجم و در اواخر حکومت بنی عباس می‌زیسته و به علّت ظلم و ستم بیش از حدّ آن‌ها از مدینه منوره به ایران و اصفهان مهاجرت کرد و به نشر علوم اسلامی مشغول شد و پس از وفات در قبرستان چملان در جوار آرامگاه امام زاده ابراهیم بطحا از نبیره‌های حسن مثنیٰ فرزند امام حسن مجتبیٰ علیه السلام، دفن گردید. مرحوم صاحب روضات الجنّات نسب ایشان را با چهار واسطه ذکر نموده و می‌نویسد: او جدّ سادات امامی است که در اصفهان شهرت دارند و مرقد و مزار او قبه‌ای عالی و صحنی وسیع در قبرستان معروف و قدیمی چملان دارد. (۳۷) ولی استاد همایی در کتاب زندگینامه آیه الله چهارسوقی می‌نویسد: «أقول: والصحيح في نسبة (نسب امام زاده درب امام) هكذا: السيد ابوالحسن زین العابدین علی بن نظام الدین احمد الابح النفاط بن أبي محمد الحسن الدلال بن محمد بن علي بن محمد بن احمد بن السيد شمس الدین عیسی الرومی الکبیر النقیب بن جمال الدین ابي عبدالله محمد الأكبر بن عليّ العریضی بن الإمام جعفر الصادق علیه السلام». (۳۸) البته سخن درست درباره نسب خاندان امامی، به همان ترتیبی است که ما در آغاز آوردیم، چرا که ترتیب یاد شده در سندی که به تاریخ ۱۱ ذی القعدة ۱۲۵۹ ق می‌باشد عیناً آمده و به گواهی و تأیید حضرات آیات: حاج میرزا محمد هاشم، و حاج میرزا محمد صادق، و حاج میرزا محمد باقر (صاحب روضات الجنّات) و حاج میرزا محمد جعفر چهارسوقی خوانساری قدس سرهم و جمعی از شهود دیگر رسیده است. (۳۹) کرامتی روشن و قطعی از استاد عظیم الشان مرحوم آیه الله حاج سید حسن فقیه امامی نقل شده که فرمودند: در حدود چهل و پنج سال قبل (حدود ۱۳۷۰ ق) پسری بود به نام حیدر فرزند سید احمد متولّی امامی (نقاش) که پای او کجی کامل داشت که عرفاً او را پاچنبری می‌نامند، روزی بعضی از بچه‌های هم بازی، به او زخم زبان زدند و پاچنبری خطابش کردند و او را سخت آزرده نمودند، او با دلی شکسته به داخل امام زاده رفت و مقداری از شمع‌های امام زاده را به عنوان طلب شفا به پای خود مالید. من با چشمان خود دیدم که با پایی سالم از حرم امام زاده خارج شد. (۴۰) لازم به ذکر است که: امام زاده درب امام، مدفن سه نفر از امام زادگان عظیم الشان به نام‌های: ۱ - امام زاده سید ابراهیم طباطبایی از نبیره‌های حسن مثنیٰ فرزند امام حسن علیه السلام ۲ - سید حسن فرزند سید ابراهیم طباطبایی ۳ - ابوالحسن علی ملقب به زین العابدین، می‌باشد. (۴۱)

۹ - جدّ اعلیٰ: ابوالحسن علی عریضی، فرزند امام صادق علیه السلام

وی یکی از مفاخر علمی و تقوایی در میان فرزندان ائمه علیهم السلام می‌باشد و در کتاب‌های رجال با عنوان «ثقه جلیل القدر» توصیف شده است. از تألیفات او می‌توان به: ۱ - کتابی درباره حلال و حرام ۲ - کتابی در مناسک ۳ - کتاب مسائل که از امام هفتم موسی بن جعفر علیهما السلام سؤال‌هایی پرسیده و پاسخ‌ها را ثبت نموده، اشاره کرد (البته دو کتاب نخست منسوب به اوست). او در چهار فرسخی مدینه در محلّی به نام: «عریض» که ملک امام باقر علیه السلام بوده و امام جعفر صادق علیه السلام به او بخشیده‌اند، سکونت می‌نموده، و بدین مناسبت او را عریضی می‌نامند. وفات علی بن جعفر علیه السلام قبل از سال ۲۲۰ ه ق بوده و در محلّ دفن او سه قول است: ۱ - قم ۲ - سمنان ۳ - عریض، که از این میان، قول سوم مشهور و معروف است. (۴۲)

تحصیل

مرحوم آیه الله امامی - رضوان الله تعالی علیه - در دامن پاک و با فضیلت مادری با ایمان و در زیر سایه تعلیم و تربیت پدر عالم و نمونه خود مرحوم آیه الله حاج سید عطاء الله فقیه امامی - قدس سره الشریف - رشد و تکامل یافت و پس از به پایان رساندن تحصیلات ابتدایی، به سن شانزده سالگی در حدود سال ۱۳۷۰ قمری قدم به حوزه علمیه اصفهان گذاشت. ابتدا در محضر پدر دانشمند و بزرگوار خود دروس مقدماتی حوزه، مانند: انموذج و شرح باب حادی عشر را آغاز نمود؛ سپس قسمتی از شرح الفیه سیوطی را نزد شاگرد عالم و فاضل پدرش مرحوم حاج سید محمد حسین اخباری آموخت. شرح نظام را در محضر مرحوم حاج سید ابوالحسن درچه‌ای؛ و قسمتی از سیوطی و مغنی و مطول را در مدرسه کاسه گران از محضر مرحوم آیه الله میرزا محمد علی معلم حبیب آبادی (متوفی ۱۳۹۶ ق) فرا گرفت. باب اول و رابع مغنی را خدمت مرحوم حاج آقا یحیی فقیه ایمانی رسید و استفاده برد و مختصر المعانی، منظومه در حکمت و مبحث ارث شرح لمعه را نزد حکیم ادیب و منجم، مرحوم آیه الله حاج شیخ عباسعلی ادیب (متوفی ۱۴۱۲ ق) خواند. معالم را در محضر مرحوم آیه الله حاج شیخ محمد حسین فقیه آموخت و قوانین را از مرحوم حاج سید محمد هاشمی بهره برد. در مدرسه جدّه به درس عالم زاهد مرحوم آیه الله حاج شیخ محمد حسن نجف آبادی (متوفی ۱۳۸۴ ق) حاضر شد و جلد نخست شرح لمعه را نزد وی آموخت. هم زمان با فراگیری این علوم و فنون، علم طب را از مرحوم آیه الله حاج سید مرتضی موحد ابطحی (متوفی ۱۴۱۳ ق) فرا گرفت و همچنین مدتی قبل از نماز مغرب در مسجد نو بازار در درس هیئت مرحوم آیه الله حاج شیخ مجدالدین نجفی (متوفی ۱۴۰۳ ق) حضور یافت و آموخته‌های خود را به صورت رساله‌ای در علم نجوم ثبت کرد. سپس در زمره شاگردان مرحوم آیه الله حاج شیخ احمد فیاض (متوفی ۱۴۰۷ ق) درآمد و جلد نخست «کفایه الأصول» و نیز بحث دلیل انسداد کتاب «فرائد الأصول» را به خوبی فرا گرفت؛ بحث برائت فرائد را نزد عالم زاهد مرحوم آیه الله حاج شیخ علی قدیری معروف به کفرانی (متوفی ۱۴۰۷ ق)، و بحث استصحاب و تعادل و تراجیح فرائد را در محضر استاد ماهر مرحوم آیه الله حاج شیخ علی مشکوه سدهی (متوفی ۱۴۱۰ ق) آموخت. سپس به مدت دو سال در درس عالم زاهد و متقی مرحوم آیه الله سید علی اصغر برزانی (متوفی ۱۴۰۵ ق) شرکت جست و جلد دوم کفایه را به پایان رساند. مکاسب را در محضر فقیه اصولی مرحوم آیه الله حاج آقا حسین خادمی رحمه الله (متوفی ۱۴۰۵ ق) استفاده نمود و بالاخره در محضر همو به مدت پانزده سال دوره خارج فقه و اصول را سپری کرد و از وی بهره فراوان برد. علاوه بر این تابستان‌ها که مرجع و فقیه اصولی مرحوم آیه الله العظمی حاج سید علی موسوی بهبهانی به اصفهان می‌آمدند، در درس خارج فقه و اصول ایشان شرکت می‌جست.

تدریس:

مرحوم آیه الله امامی از همان سال‌های آغازین به تدریس دروس مختلف در زمینه‌های ادبیات عرب، فقه، اصول، تفسیر، عقائد، اخلاق، درایه و رجال، پرداختند که گاهی به نُه درس در روز می‌رسید. ایشان به امر تدریس اهتمام خاصی داشت و شاگردان بسیاری را تربیت نمود که بسیاری از آنان در زمره علماء و فضلاء به شمار آمده و مشغول تبلیغ و ترویج دین می‌باشند. پشتکار و جدیت ایشان در امر تحصیل و تدریس برای طلباب عزیز و دانش‌پژوهان بهترین الگوست؛ او حدود بیست سال در اصفهان به تدریس خارج فقه و مباحث اصول فقه اشتغال داشت. وی کاستی حوزه‌های علمیه را خوب شناخته بود، لذا به سه درس مهم تفسیر و عقائد و اخلاق، از ابتدای تأسیس مدرسه ذوالفقار اهتمام ویژه‌ای داشت؛ روزهای شنبه و یکشنبه آیات شریفه قرآن را تفسیر می‌نمود و دو روز دوشنبه و سه شنبه را به بیان دروس در عقائد و روزهای چهارشنبه را به درس اخلاق اختصاص داده بود. بسی جای شگفتی است که آن مرد بزرگ در روز قبل از وفات، آیات شریفه: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ»؛

جَزَاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ. (۴۳) را تفسیر نمود که خود به درستی یکی از مصادیق این آیات مبارکه بود. بی رنج و بی مرارت کس کام دل نیابد آن کس که دین و دل یافت بگذاشت جسم و جان را

مشایخ اجازه:

آیه الله فقیه امامی قدس سره از برخی آیات عظام و مراجع معظم تقلید اجازه‌نامه روایتی دریافت نموده که به ترتیب تاریخ صدور عبارتند از: ۱ - حاج سید محمد علی موحد ابطحی رحمه الله (به تاریخ ۲۳ شعبان ۱۴۱۰ق). ۲ - حاج سید شهاب الدین مرعشی نجفی رحمه الله (به تاریخ ۲۴ رمضان ۱۴۱۰ق). ۳ - حاج سید ضیاء الدین علامه رحمه الله (به تاریخ جمادی الثانیة ۱۴۱۴ق). ۴ - حاج سید محمد باقر موحد ابطحی دام ظلّه (بتاریخ ۲۵ ربیع الاول ۱۴۱۴ق) ۵ - حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی دام ظلّه (به تاریخ ۶ محرم ۱۴۱۵ق). ۶ - حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی قدس سره (به تاریخ ۷ شوال ۱۴۱۵ق). ۷ - حاج سید محمد علی روضاتی دام ظلّه (به تاریخ ۲۷ رجب ۱۴۱۵ق). ۸ - حاج سید حسن طباطبائی قمی قدس سره (به تاریخ شوال ۱۴۲۰ق). ۹ - حاج سید محمد شیرازی قدس سره (به تاریخ ۲۲ شوال ۱۴۲۰ق). ۱۰ - حاج سید صادق شیرازی دام ظلّه (به تاریخ ۱۱ ذی القعدة ۱۴۲۲ق). (۴۴) دو نمونه از متن اجازه نامه‌ها الف - مرحوم آیه الله حاج سید ضیاء الدین علامه، از مرحوم آیه الله امامی چنین یاد می‌کند: «السید السند والثقة المعتمد العالم الفاضل الكامل صاحب الأخلاق المرضیة والصفات الحمیدة الساعی إلى التدریس والتحدیث و ما یتسوی المنطق ذو العلم والحجی و أخرس بین الناطقین صموت و هو دام عزه الحاج آقا حسن الامامی كأخیه حاج آقا احمد، بدران فی سماء الفضل والعلم والعمل و هما ابنا السید السند الجلیل العالم التقی النقی صاحب المناقب الفاخرة الحاج آقا عطاء الله الإمامی». (۴۵) ب - حضرت استاد علامه محقق آیه الله آقای حاج سید محمد علی روضاتی - أدام الله تعالی أيام برکاته - در اجازه‌نامه شگفت آور صد و چهل و یک صفحه‌ای که مرقوم فرموده و «مرآة الزمن أو الوجیز المستحسن فی الإجازة لسیدنا الفقیه الإمامی الحسن» نام گذاشته، آیه الله امامی قدس سره را با این اوصاف ستوده است: «... سیدنا العالم الفاضل الكامل الناسک صاحب الأخلاق المرضیة و الصفات الممتازة الملکیة القدسیة، مدرّس الحوزات العلمیة و مفیض أنواع من الخیرات و البرکات فی الملة الشریفة الإسلامیة، جامع المعقول و المنقول، حاوی الفروع و الأصول، هادی الخاص و العام بعلمه الجم و خلقه الحسن و هدیة المستحسن الحاج السید حسن الفقیه الإمامی الإصفهانی». (۴۶)

تألیفات:

مرحوم آیه الله فقیه امامی را باید از زمره دانشمندانی دانست که در امر تألیف و تصنیف بسیار موفق بوده که از ایشان آثار علمی و تحقیقی بسیار مفیدی به یادگار مانده است؛ در اینجا به تعدادی از آن آثار اشاره می‌کنیم. الف. آثار و تألیفات چاپ شده: ۱ - پاسخ به شبهاتی پیرامون خمس (۲ جلد) ۲ - نقش عقل در احکام الهی ۳ - آیا فهم قرآن آسان است؟! ۴ - صراط مستقیم ۵ - فتنه‌ها از کجا آغاز می‌شود ۶ - مباحثی پیرامون بهائیت ۷ - شرح فرازهایی از خطبه حضرت زهرا علیها السلام (سخنرانی‌های فاطمیة ۱۴۲۵ق) ب. آثار و تألیفات چاپ نشده: ۸ - رساله درباره لقاء الله ۹ - سنن الهی ۱۰ - رساله‌ای در امامت ۱۱ - رساله‌ای پیرامون فدک ۱۲ - مباحثی در اثبات وجود امام زمان ارواحنا فداه و رفع اشکالات مخالفین ۱۳ - رساله‌ای پیرامون قیامت (عربی) ۱۴ - شرح نبراس الهدی ملّا هادی سبزواری (قسمت حج) ۱۵ - فلسفه حج ۱۶ - تقسیم بندی مسائل حج به صورت نموداری ۱۷ - تنظیم العروة (تا آخر کتاب الزکاة، به شکل آموزشی) ۱۸ - الأمثال فی الروایات (أربعون حدیثاً) ۱۹ - تفسیر سوره یوسف ۲۰ - رساله‌ای راجع به صحابه ۲۱ - رساله درباره امّ کلثوم ۲۲ - پاسخ به استدلالیه میرزا نعیم (ردی بر بهائیت) ۲۳ - رساله‌ای در رد افکار بعضی

از روشنفکران ۲۴ - عرفان در اسارت شیطان ۲۵ - تربیت در اسلام ۲۶ - آیین نبرد در اسلام ۲۷ - رساله‌ای در مقام شهید ۲۸ - پاسخ به بعضی از شبهات (حدود سی شبهه) ۲۹ - تقریرات درس هیئت مرحوم مجد العلماء نجفی ۳۰ - رساله در شرح حال و زندگانی اساتید و مشایخ اجازه ۳۱ - بیش از صد مقاله در موضوعات مختلف (فارسی و عربی) * * * آن فقید سعید علاوه بر تألیف، اهتمام و عنایت ویژه‌ای به احیاء آثار مکتوب عالمان دینی داشت و در این راستا اقدام به جمع آوری و چاپ و نشر متون کهن علمی شیعه نمود، که می‌توان به این موارد اشاره کرد: ۱ - مطالع الأنوار (۶ جلد) تألیف حجّة الإسلام حاج سید محمد باقر شفتی قدس سره. ۲ - الرسائل الرجائیة، تألیف حجّة الإسلام حاج سید محمد باقر شفتی قدس سره. ۳ - فلسفه احکام (۲ جلد) تألیف مرحوم ملا احمد اهتمام. ۴ - اللؤلؤة الغالیة فی أسرار الشهادة، تألیف: مرحوم آیة الله سید ابوطالب قائینی. ۵ - ترجمه منهج الرشاد، تألیف مرحوم علامه شیخ جعفر نجفی (کاشف الغطاء). ۶ - جامع الشواهد، تألیف مرحوم مولی محمد باقر شریف. ۷ - یادگاری از خطبای پیشین، تألیف مرحوم حجّة الإسلام و المسلمین میر محمد حسین امامی العریضی (معروف به قوام المحدثین). ۸ - نگرشی بر صوفیه و صوفی‌ها (ترجمه جلد سیزدهم منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه، تألیف مرحوم ملا حبیب الله خوبی قدس سره). ۹ - ترجمه کتاب «صاحب الغار ابوبکر أم رجل آخر؟!» به نام: یار غار ابوبکر یا فردی دیگر؟ تألیف محقق نجاح طائی. ۱۰ - فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه شخصی آیة الله فقیه امامی قدس سره، نگارش سید صادق حسینی اشکوری.

شعر

آیة الله فقیه امامی - رضوان الله تعالی علیه - در فن شعر بهره کافی داشت و اشعار زیادی به عربی و فارسی از ایشان به یادگار مانده که بعضی از آن به چاپ رسیده است. بسیاری از اشعار او در لابلای تألیفات و نوشته‌هایش پراکنده می‌باشد. او در ساعت‌های فراغت قصائد و ابیاتی می‌سرود؛ اشعار پر محتوایی که در آن علاوه بر اظهار تولی نسبت به اهل بیت علیهم السلام، اظهار تبری از دشمنان آن خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام نیز به چشم می‌خورد. نمونه‌ای از اشعار وی چنین است: من آمده‌ام سرو قد یار بینم با شور و شعف چهره دلداری بینم مقصود من این است که تا در حرم امن بی‌پرده رخ سید ابرار بینم هر سو نگرم ضمن طوافم به تحیر شاید بتوان محور پرگار بینم سعیم همه در عمره و در حج تمتع آنست که آن قافله سالار بینم اندر عرفات آمده با دیده گریان تا حشمت او با دل بیدار بینم امید چنین بود که تا در شب مشعر آن اختر زیبا به شب تار بینم در خیف و منی چشم به راه قدم دوست تا از کرمش نعمت بسیار بینم من طالب آنم به بقیع و به مدینه آن منتقم، آماده پیکار بینم اما چه کنم دیده من لایق آن نیست تا صورت آن مطلع انوار بینم یا رب تو اگر پاک کنی لوح ضمیرم ممکن شود آن مخزن اسرار بینم صبرم شده لبریز خدایا مددی ده یک بار جمالش من بیمار بینم سخت است خدایا بجهان در همه اقطار در مسند او حاکم جبار بینم هست آرزویم آنکه به هنگام ظهورش نابودی افراد ستمکار بینم یا رب بدهم عمر که تا پرچم عدلش منصوب به هر کوچه و بازار بینم (۴۷) * * * ها علی بشر کیف بشر خصمه کان مسمی بعمر فتنه الکوّن و لولاه لما کان للفتنه عین و اثر و به افسد ما تعقله من عقول و نفوس و صور سیمک فی شرک فیہ فُجور خلف عن سلف فیہ قدر ما رمی قط عدوا فی الغزی ما غزی قط بشیرا بالظفر أعمد السیف متى قاتله کل من جرد سیفاً و شهر کان فظاً حینما قام و صاح فی سبیل الله ما جاد و بر بغضه مبدء خلد و نعیم حبه منشأ نار و سقر هو للكفر إمام فافروا سیره الشیخین فی متن السیر لیس من أذنب یومیا یامیام کیف من أشرك دهرًا و كفر کل من مات و لم یبغضه میوته میوت حمار و بقر خصمه بشره الله و لو شرب الخمر و غنی و فجر خلّه أبغضه الله و لو حمد الله و أنئی و شکر من له شاکیه کالزهراء أو خصیم کشیبر و شبر عنه دیوان شور و بدع فیہ آثام کبار و عبر ذو عناد و أحادیث النبی عنده مثل سفال و مدر و هو النار و من کان معه کظلام و دخان و شرر

ویژگی‌های اخلاقی

آیه الله امامی رحمه الله همانند اجداد طاهرینش خلق و خوی نیکو داشت و بسیار پایبند به حفظ اصول و ارزش‌های اخلاقی بود. او یکپارچه اخلاص بود؛ سخنش، قلمش و اعمالش فقط برای خدا و در جهت تحصیل رضای او بود. وی بسیار باکیاست و درایت و زیرک بود. آن فقیه درکی عمیق و شمی تیز داشت و سیمای دشمن را از پس نقاب‌های مختلف می‌شناخت و نسبت به توطئه‌ها و ترفندهای استعمار سخت حساس بود. نسبت به علماء و طلباب احترام زاید الوصفی قائل بود، و مشوق طلباب و حقیقتاً طلبه پرور بود. درب منزلش همیشه به روی همه، از خرد و کلان، فقیر و غنی، دوست و دشمن، عامی و غیر عامی، باز بود و از تشریفات و تجملات دست و پاگیر به شدت پرهیز داشت. او با نصب العین قرار دادن توفیق شریف: «أَرْخَضَ نَفْسِي كَكَ وَ أَجَعَلَ مَجْلِسِي كَكَ فِي الدِّهْلِيْزِ وَأَقْضِ حَوَائِجَ النَّاسِ نَحْنُ نَنْصُرُكَ»؛ خود را در دسترس همه مردم قرار بده (اهل تشریفات نباش) و دالان خانه‌ات را محل نشستن قرار بده (تا مردم به راحتی سراغت بیایند) حاجت‌های مردم را برآورده کن، ما تو را یاری و کمک می‌کنیم. (۴۸) تمام عمر شریف خود را وقف خدمت به خلق خدا نمود. یکی از صفات برجسته وی صبر و بردباری حیرت‌انگیزش بود که در مقابل مشکلات و نامایمات زندگی بسیار از خود سعه صدر و حلم نشان می‌داد. او به تأسی از مولای خود امیر مؤمنان علی علیه السلام سر بر آستان بندگی حق نهاده و لاجرم شکوه قدرت‌های مادی و دنیوی در چشمش رنگ باخته و هیبت او جان و دل زورمندان عصر را پر ساخته بود؛ به قول مرحوم حاج ملا فتح الله شوشتری متخلص به وفایی عالم و شاعر هم روزگار هم شیخ انصاری (متوفی حدود ۱۳۰۳ ق): خلیل آسا چنان بشکست بت‌های تمنا را که آتش در دو گیتی کشت ریحان و گلستانش کلیم آسا چنان سر برد در طور عبودیت که خط بندگی دادند صد فرعون و هامانش (۴۹)

ارادت به اهل بیت علیهم السلام

او ارادت شدیدی نسبت به خاندان رسالت و ائمه هدی علیهم السلام داشت و در تمام احوال به آن‌ها توسل می‌جست و در همه افعال و اقوالش از آن‌ها پیروی می‌نمود و از تعالیم الهی آن انوار مقدسه بهره می‌گرفت. به خصوص به حضرت صدیقه طاهره علیها السلام و به هشتمین ستاره تابناک ولایت حضرت علی بن موسی الرضا - علیه آلاف التحية و الثناء - توجه ویژه‌ای داشت و در معرفت آن دو بزرگوار به مراحل و منازل والا و شامخی نایل آمده بود.

ذکر زبانی او

همیشه ذکر زبانی او کلمه شریفه: «یا رسول الله» بود، در بیشتر اوقات خصوصاً زمانی که از رسیدگی به مراجعات زیاد مردم لختی فارغ می‌شد، آن ذکر شریف را زیر لب زمزمه می‌کرد و گویی از صاحب آن اسم یاری می‌طلبید.

خدمات علمی

تأسیس مدرسه ذوالفقار

آیه الله امامی قدس سره قبل از تأسیس برنامه درسی مدرسه ذوالفقار، در مدرسه نیم‌آورد تعدادی از طلباب را جمع نموده و برای آنان تدریس می‌نمودند ولی پس از گذشت سال‌های خفقان حکومت پهلوی اول و سپری شدن دوران تهاجم‌های ضد دینی حکومت پهلوی بر حوزه‌های علمی و شروع مجدد حرکت علمی در بسیاری از مدارس دینی، نیاز به یک جنبش اساسی و فعالیت منسجم در حوزه علمی اصفهان احساس گردید. به همین جهت توسط عده‌ای از مدرّسین فعال و پرتلاش اصفهان، آقایان مرحوم

آیة الله حاج سید حسن فقیه امامی قدس سره و آیة الله حاج شیخ علی اکبر فقیه رحمه الله و حضرت آیة الله حاج سید حجّه موحد ابطحی و آیة الله آقای حاج شیخ محمد علی ابراهیمی - دامت برکاتهما - تصمیم بر این شد که برای اولین بار برنامه درسی منظم و گسترده و پرتحرکی به وجود آید تا طلبان جوان را زیر پوشش قرار دهد و از نظر اخلاقی و تربیتی و درسی و انضباطی آنها را تحت مراقبت گیرد و نیروی جوان حوزه علمیه را برای تکامل سریع و وسیع و مطلوب آماده سازد. این اقدام مورد تأیید علماء بزرگ اصفهان در آن دوران قرار گرفت و به سرعت به نتیجه مطلوب رسید و به مناسبت اینکه شروع برنامه در مدرسه ذوالفقار بود به نام برنامه ذوالفقار شهرت یافت، گرچه تداوم و گسترش فعالیت این برنامه در مدرسه‌های: محمدیه، جوادیه، الغدیر، خالصیه، آیة الله خادمی، امامیه، امام هادی علیه السلام، حکیمیه (کاسه گران)، اسماعیلیه، مسجد نو بازار و ... انجام گرفت و به تدریج طلبان جوان تمام مدارس علمیه را زیر نفوذ خود قرار داد و اکثر مدارس علمیه اصفهان زیر پوشش برنامه ذوالفقار قرار گرفت. گسترش فعالیت برنامه ذوالفقار تا جایی رسید که در یک زمان دروس: تعلیم قرآن، تجوید قرآن، حفظ قرآن، لغت، صرف، نحو، منطق، تاریخ اسلام، عقائد و کلام، اخلاق، تفسیر قرآن، بلاغت، اصول فقه، فقه، شرح و تفسیر نهج البلاغه، رجال، درایه، حدیث، و خارج فقه و اصول؛ تدریس می‌شد. همچنین از فعالیت‌های این برنامه، اعزام مبلغ در سطحی وسیع به شهرها، روستاها، ادارات، کارخانجات، مدارس آموزش و پرورش و ...؛ و نیز کوشش در جزوه نویسی و تهیه مقالات و کتاب‌های دینی و انجام امتحانات متنوع و متعدد از طلبان در زمینه‌های مختلف درسی می‌باشد. و در یک کلام از ابتداء شروع برنامه ذوالفقار تا کنون، متجاوز از دوازده هزار نفر طلبه زیر پوشش این برنامه قرار گرفته‌اند که عدّه زیادی از آنها پس از طی مراحل از تحصیل، برای تکامل تحصیلی به حوزه علمیه قم رفته‌اند. شمار بسیاری از آنها هم در حوزه‌ها و شهرهای دیگر به تدریس و تربیت طلبان و یا فعالیت‌های دینی و تبلیغی و ارشادی اشتغال دارند، جمعی از آنها نیز تاکنون در زیر پوشش همین برنامه به ادامه تحصیل یا تدریس و تحقیق مشغول هستند. طلبان یاد شده از اکثر قریب به اتفاق استان‌ها و شهرهای ایران و هم چنین از کشورهای افغانستان و عراق و پاکستان می‌باشند. (۵۰)

خدمات فرهنگی، اجتماعی

از قسمت‌های جالب در زندگی این بزرگمرد، مبارزات مستمری است که با فرقه‌های گمراه و مفسد از قبیل: بهائی، کمونیست، التقاطی، صوفی، روشنفکر مآب و وهاب‌بی مسلک‌های داخلی و خارجی داشته‌اند و با بحث‌های گسترده و مناظره‌های مستدل در رسوا نمودن و محکوم کردن آنها نقش بسیار مؤثری ایفا کرده‌اند. همچنین در بنیان‌گذاری و یا تجدید بناء و تعمیر بسیاری از مدارس علمیه اصفهان اقدام کرده و بدین وسیله خدمتی بزرگ به حوزه علمیه و رشد و بالندگی آن نموده‌اند؛ تعدادی از آن مدارس عبارتند از: ۱ - تجدید بنای سه طرف جنوبی و شمالی و شرقی مدرسه ذوالفقار و تکمیل طرف غربی آن. (۵۱) ۲ - تأسیس مدرسه محمدیه در نزدیکی مدرسه ذوالفقار و تجدید بنای آن به صورت مفصل و اساسی در سه طبقه. ۳ - تجدید و تأسیس بنای مدرسه جوادیه (متصل به مدرسه محمدیه) در چهار طبقه. ۴ - تأسیس مدرسه الغدیر (۵۲) (واقع در انتهای خیابان مشیر انصاری) و تعمیرات و بازسازی آن. ۵ - تکمیل مدرسه با شکوه مرحوم آیة الله حاج آقا حسین خادمی (۵۳) (معروف به مدرسه عربان واقع در نزدیکی امامزاده احمد). ۶ - تجدید بنا و توسعه مدرسه خالصیه (۵۴) (واقع در نزدیکی مسجد سلام در محله قدیمی جماله). ۷ - تعمیرات اساسی مدرسه امامیه (۵۵) (واقع در نزدیکی چهار راه ابن سینا و در مجاورت قبر باباقاسم). ۸ - تعمیرات اساسی مدرسه نیم آور. (۵۶) ۹ - تعمیر مدرسه کاسه گران (۵۷) (واقع در بازار ریسمان منشعب از بازار بزرگ، نزدیک مسجد جامع اصفهان). ۱۰ - تعمیرات مدرسه میرزا حسین (۵۸) (واقع در بازارچه بیدآباد). و نیز می‌توان به تعمیر و بازسازی مدارس دیگر مانند: مدرسه حاج شیخ محمد علی نجفی معروف به ثقة الاسلام، مدرسه نوریه، مدرسه امام هادی علیه السلام (ترک‌ها)، مدرسه میرزا حسن، مدرسه

الماسیّه، مدرسه اسماعیلیّه، مدرسه درب کوشک و ... اشاره کرد. (۵۹) از دیگر خدمات شایسته آیه الله فقیه امامی قدس سره می‌توان به این موارد اشاره نمود: ساخت و تهیّه مسکن برای طلباب علوم دینی، تأسیس و همکاری مداوم و گسترده با مؤسسه‌های دینی مانند: تأسیس شبکه جهانی سلام، مجتمع فرهنگی مذهبی هیئت قائمیه اصفهان، مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، موسسه غدیرستان کوثر نبی (ص) و ... و نیز انجمن‌های خیریه مانند: انجمن خیریه حضرت ابوالفضل علیه السلام (ویژه پیوند کلیه)، سازمان آموزشی ابابصیر، انجمن مددکاری امام زمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - صندوق قرض الحسنه امام حسن مجتبی علیه السلام، صندوق قرض الحسنه اباصالح المهدی علیه السلام، رادیولوژی و آزمایشگاه مهدیه و ... در یک کلام او عالمی با عمل، استادی دلسوز و تربیت کننده‌ای مدبر بود که با استفاده از علم و عمل و تقوی و مکارم اخلاق، نقش بسیار مهمی در رشد و توسعه حوزه علمیه اصفهان و در تعلیم و تربیت طلباب و تبلیغ و ترویج دین و دفاع از حریم مکتب ولایت و امامت ایفاء نمود. وی در تقویت و تکریم حوزه و روحانیت شیعه و حفظ عزت نفس و استقلال آن در برابر ارباب زر و زور، اهتمامی اکید می‌ورزید. و نیز برای حفظ سلامت آن دو رکن رکین تشیع از رخنه عناصر بدعت گذار و سنت شکن، از بذل جان ذره‌ای فروگذار نکرد و مراقب بود که خود پل پیروزی و نردبان صعود آن‌ها نگردد، خود در جلسه‌ای فرمود: «... زمانی که به خانه خدا مشرف شدم در مقام مستجار با حالت التجاء از صاحب آن بیت رفیع خواستم: بار پروردگارا! اگر این بنده ضعیف قدرت هدایت انسان‌ها به دین تو را ندارم، ولی تو حافظ من باش تا مبادا خدای ناخواسته کسی به سبب من از صراط مستقیم منحرف نگردد». او هیچ زمانی از خدمت صادقانه و بی‌شائبه نسبت به خلق خدا کوتاهی نکرد و وجوهی که به دستش می‌رسید را امانتی خطیر و سنگین می‌انگاشت که باید به دست اهل آن برسد و او تنها، واسطه اخذ و رساندن آن‌ها به اهلش می‌باشد و در یک کلام سوز خدمت به خلق داشت و هیچ‌گاه از اندیشه رفع مشکلات مسلمین در حدّ توان، فارغ نبود. * * «قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا مَاتَ الْمُؤْمِنُ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثٍ: صِدْقِهِ جَارِيَةٍ أَوْ عِلْمٍ يُنْتَفَعُ بِهِ أَوْ وَلَدٍ صَالِحٍ يَدْعُو لَهُ» (۶۰) زبان و قلم عاجز است از بیان و نوشتن خدمات شایسته و ارزنده یک عالم ربّانی چون آیه الله امامی قدس سره که بیش از پنجاه سال خالصانه در مسیر حقّ قدم برداشت و از هیچ کوششی در راه اسلام و مسلمین دریغ نورزید و چه بسیار خدماتی که غیر خدا کسی از آن‌ها آگاهی ندارد؛ چرا که خلوص نیت اجازه افشای آن را نمی‌داد. ولی آنچه که بر همگان مشهود می‌باشد، عبارت است از: ۱ - تربیت هزاران عالم و مبلغ دینی که بعضی از آن‌ها اساتید بزرگ حوزه‌های علمیه در سراسر کشور و بعضی دیگر از چهره‌های جهانی در نشر معارف اهل بیت علیهم السلام و منشأ خدمات فراوان بوده و می‌باشند. ۲ - دفاع از شعائر مذهبی؛ او به شعائر دین به عنوان برگ و بار درخت دین و حافظ کیان تشیع، احترام تامّ می‌نهاد و در برابر توطئه‌هایی که موجودیت این شعائر را هدف می‌گرفت، سریع و قاطع واکنش نشان می‌داد. ۳ - مبارزه با انحرافات عقیدتی. ۴ - هدایت و ارشاد مردم در منابر و سخنرانی‌ها و تألیفات مفید و روشنگر. ۵ - دستگیری از فقرا و مستمندان و یاری مظلومان و ستمدیدگان. ۶ - جمع آوری نسخ خطّی و احیاء آثار مکتوب علمای گذشته. ۷ - قدردانی از صاحبان قلم و تبیین مقام آنان؛ او با توجه به تأثیر ویژه قلم و کتابت در بیان و نشر معارف الهی بسیار از صاحبان آثار مکتوب تجلیل به عمل آورده و آن‌ها را مورد عنایت خاصّ خود قرار می‌داد. چه بسیار از کتاب‌هایی که آغاز آن مزین به تقریظ آیه الله امامی رحمه الله شده است. ۸ - احیاء موقوفات که بسیاری از آن‌ها توسط افراد سود جو غصب گردیده بود. ۹ - احیاء و بازسازی قبور بسیاری از علماء مدفون در تخت فولاد و غیره. ۱۰ - اهتمام ویژه به وضع مسکن و معیشت طلباب حوزه علمیه اصفهان.

فرزندان آیه الله فقیه

آیه الله امامی قدس سره دارای هفت فرزند بودند، سه پسر و چهار دختر. پسران: نخست حجّه الإسلام و المسلمین آقای حاج سید مهدی فقیه امامی در سال ۱۳۴۵ش در اصفهان متولّد و از همان روزهای اوّل زندگی تحت توجه مستقیم والد ماجد خود پرورش

یافته و بیشتر دروس خود را در محضر پدر آموخته، سپس در حوزه درس خارج فقه و اصول ایشان حاضر می‌شدند. همچنین از اساتید دیگر ایشان می‌توان به فقیه اصولی آیه الله حاج شیخ حسن صافی اصفهانی قدس سره و مرحوم فقیه هیوی حاج شیخ عباسعلی ادیب اصفهانی و حضرت آیه الله حاج سید حجت ابطحی - دام ظلّه - اشاره نمود. وی سالیانی است در حوزه به تدریس سطوح عالی، تفسیر و عقائد، درایه الحدیث و قواعد الفقهیه اشتغال دارند. فرزند دوم: حجه الاسلام سید محمد فقیه امامی در سال ۱۳۶۵ ش متولد گردید و هم اکنون در حوزه علمیه به تحصیل و تدریس مشغول می‌باشند. فرزند سوم: حجه الاسلام سید مجتبی فقیه امامی در سال ۱۳۶۸ ش متولد شد، وی در حال حاضر به تدریس دروس مقدماتی و تحصیل در حوزه علمیه اشتغال دارد. و دامادهای ایشان حجه الاسلام و المسلمین آقای حاج سید مهدی شفتی - سلمه الله - که عمده تحصیلات خود را از محضر ایشان استفاده برده و از اساتید سطوح عالی حوزه و امام جماعت مسجد سید می‌باشند و آقای حاج سید علیرضا میرلوحی و آقای حاج مجتبی مرکبی اصفهانی و آقای حاج محمد رضا گل احمد می‌باشند.

رحلت:

سرانجام عالم و فقیه اهل بیت عصمت و طهارت - علیهم صلوات الله الملك العزیز -، مفسر کبیر قرآن مجید، اسوه اخلاق و مجاهدت، صبر و تقوی احیاگر کوشای مدارس و زعیم راستین حوزه‌های علمیه، پدر دلسوز طلاب علوم دینی، ملجأ مستضعفان و ستم دیدگان آیه الله حاج سید حسن فقیه امامی - أفاض الله علی تربته المرحم الربانیة - پس از هفتاد و شش سال عمر پر برکت، در صبح روز یکشنبه غره ربیع الثانی سال ۱۴۳۲ ق، مطابق با ۱۵ اسفند ماه سال ۱۳۸۹ ش، ندای «ارجعی الی ربک راضیه مَرْضِیَّة» (۶۱) را لبیک گفت و به ملکوت اعلی پیوست، و از این واقعه، ضربه بزرگ و جبران ناپذیری به پیکر اسلام و مسلمین وارد شد؛ فسلام علیه یوم ولد و یوم مات و یوم یبعث حیًا. مراسم تشییع پیکر آن فقید سعید در مراسمی بی نظیر و به یادماندنی، در روز دوشنبه دوم ربیع الثانی با حضور علماء اعلام و نمایندگان مراجع تقلید بر دوش مردم اصفهان تا مزار شریف امام زاده ابوالعباس علیه السلام، انجام شد و در کنار قبر مادر و برادر فقیدش مرحوم آیه الله حاج سید احمد فقیه امامی - أعلی الله مقامه الشریف - به خاک سپرده شد؛ عاش سعیدًا و مات سعیدًا.

فرازهایی از وصیت نامه

مرحوم آیه الله حاج سید حسن فقیه امامی رضوان الله تعالی علیه فرازهایی از وصیت نامه مرحوم آیه الله امامی بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ جَعَلَنَا مُسْلِمِیْنَ وَ بِالْثَّقَلِیْنِ مُتَمَسِّكِیْنَ وَ لِأُمَّةِ الْهُدٰی مِنْ اَهْلِ بَیْتِ الْمُصْطَفٰی شِیْعَةً وَ مُوَالِیْنَ وَ وَفَقْنَا لِاتِّبَاعِ اَنْاْرِهِمْ وَ الْاِخْتِذِ بِاَقْوَالِهِمْ فَلَمْ نَكُنْ لِمَعْرِفَتِهِمْ عَمِیْنَ وَ لَا عَنْ صِرَاطِهِمْ نَاكِبِیْنَ وَ رَزَقْنَا الْبِرَآئَةَ مِنْ اَعْدَائِهِمْ الْفَجْرَةَ اَعْدَاءِ الْاِنْسَانِیَّةِ وَ الدِّیْنِ، فَمِنْ عُلُوْمِهِمُ الْاِلهِیَّةِ اِغْتَدِیْنَا وَ مِنْ مَعِیْنِهِمُ الصَّافِیْ اِرْتَوِیْنَا وَ بِسَبِّرَتِهِمُ الْمُحَمَّدِیَّةِ وَ سَبِّیَّتِهِمُ الشَّیْخِیَّةِ اِهْتَدِیْنَا اِلَى الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِیْمِ. وَ الصَّلٰوةُ وَ السَّلَامُ عَلٰی اَشْرَفِ خَلْقِ اللّٰهِ وَ اَكْمَلِهِمْ وَ صَفْوَتِهِ مِنْ عِبَادِهِ اَجْمَعِیْنَ وَ اَفْضَلِهِمْ سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفٰی وَ آلِهِ اٰثِمَتِنَا الْمُعْصُوْمِیْنَ وَ قَادَتِنَا الْمَا كُرْمِیْنَ هِدَاةِ الْخَلْقِ وَ الدُّعَاةِ اِلَى الْحَقِّ الَّذِیْنَ اَذْهَبَ اللّٰهُ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَ طَهَّرَهُمْ تَطْهِیْرًا وَ فَرَضَ لِاٰیَتِهِمْ وَ مَوَدَّتِهِمْ فِی مُحْكَمِ كِتَابِهِ عَلٰی جَمِیْعِ الْمُسْلِمِیْنَ وَ لَعْنَةُ اللّٰهِ عَلٰی مَنْ اَنْكَرَ فَضْلَهُمْ وَ جَحَدَ حَقَّهُمْ وَ اسْتَضَیْعَرَ شَأْنَهُمْ فَكَانَ مِنَ الضَّالِّیْنَ الْمَضَلِّیْنَ وَ سَیْضِلُّ فِی غَدٍ سَعِیْرًا. اَمَّا بَعْدُ، اَنْ چَه از ائمه هدی و رهبران الهی ما صادر شده، اعم از احکام شرعی و معارف دینی و عقائد الهیه و آداب اجتماعی و فضائل نفسانیه، همه و همه از پدرشان مولای متقیان امیر مؤمنان علیه السلام گرفته شده و او بلاواسطه از پسر عمش رسول صادق امین صلی الله علیه و آله گرفته که او «ما یَنْطِقُ عَنِ الْهَوٰی ؛ اِنْ هُوَ اِلَّا وَحٰی یُوحٰی (۶۲) و اوست که «عَلَّمَهُ شَدِیْدُ الْقُوٰی (۶۳) و او خود می‌فرماید: «اَنَا مَدِیْنَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِیٌّ بَابُهَا» (۶۴) و شاهد صدق آن، آیه وافی هدایه‌ای است که می‌فرماید: «وَلَوْ تَقَوَّلَ

عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقْوِيلِ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ثُمَّ لَقَطْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ» (۶۵) فعلی هذا آنچه آن‌ها فرموده‌اند از پیش خود نگفته و آنچه کرده‌اند به دلخواه نکرده‌اند و آنان همدوش کلام الله اند که «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ» (۶۶) و قرآن کریم خود درباره رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرموده: «الَّذِي جَاءَ بِالصُّدُقِ وَصَدَقَ بِهِ» (۶۷) و در مورد ائمه هدی علیهم السلام به ما سفارش نموده که: «كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (۶۸) علاوه که نری آثار الصُّدُقِ عَلَى كَلِمَاتِهِمْ ظَاهِرَةٌ وَالْبَرَاهِينُ عَلَى صِحَّةِ أَقْوَالِهِمْ قَائِمَةٌ؛ این است زیر بنای مذهب فرقه ناجیه یعنی شیعه اثنی عشریه و سندی معتبرتر از این اسناد در هیچ فرقه و دار و دسته‌ای وجود ندارد و بحمد الله ما را در آن چه انسان‌ها به آن نیاز دارند، چه در مسائل علمی، چه در مسائل عقیدتی و اخلاقی، چه در مسائل اقتصادی و اجتماعی، آنچنان اشباع کرده‌اند که احتیاج به مراجعه به غیر نداریم؛ زیرا پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله در آخرین خطبه‌اش فرمود: «مَا مِنْ شَيْءٍ يُقَرَّبُكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ وَ يُبَاعِدُكُمْ مِنَ النَّارِ إِلَّا وَقَدْ أَمَرْتُكُمْ بِهِ وَ مَا مِنْ شَيْءٍ يُقَرَّبُكُمْ مِنَ النَّارِ وَ يُبَاعِدُكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ إِلَّا وَقَدْ نَهَيْتُكُمْ عَنْهُ» (۶۹) و قرآن کریم فرماید: «وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ» (۷۰)؛ ولی متأسفانه امور تشریحی ما هم به همان سرنوشتی مبتلا است که امور تکوینی ما. در کشور شیعه ایران خداوند معادنی قرار داده و سرمایه کلانی زیر زمین نهفته و گنج‌های گران بهائی ذخیره فرموده که در کمتر کشوری این کفایت و جامعیت وجود دارد، ولی ما همت شناسایی و توفیق استخراج آن را نداریم؛ گر گدا کاهل بود تقصیر صاحب خانه چیست؟! ما را چه نیاز که در امور مادی و معنوی به شرق و غرب رو آوریم؛ «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (۷۱) خلاصه آن که صاحب مکتب و مذهب ما قائل «سَلُونِي» (۷۲) است، نه گوینده «أَقِيلُونِي» (۷۳) بی جهت نیست مرحوم فیض - رضوان الله علیه - پس از سالیان دراز که در فنون مختلفه تبخّر پیدا می‌کند، بالأخره در رساله «الإنصاف» می‌گوید: «نه متکلمم، نه متفلسف و نه متصوفم و نه متکلف، بلکه مقلد قرآن و حدیث و پیغمبرم و تابع اهل بیت علیهم السلام» (۷۴) و باز می‌گوید: اهل بیت مصطفی وجه اللهند روی دل را جانب ایشان کنم سر نهم در سیر قرآن و حدیث کار جان را سر بسر سامان کنم (۷۵) این است معنی فرمایش امام باقر علیه السلام به سَلَمَةَ بْنِ كَهَيْلٍ وَ حَكَمِ بْنِ عَتِيْبَةَ: «شَرِّقًا وَ غَرَّبًا لَنْ تَجِدَا عَلِمًا صَحِيحًا إِلَّا شَيْئًا يَخْرُجُ مِنْ عِنْدِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ» (۷۶) اما در مورد مدارس ما که شاهد وضع مدارس علمیّه در دوران رضاخان بودیم و وضع نابسامان آن‌ها ما را رنج می‌داد و مشاهده می‌کردیم که چگونه به مدارس بی‌توجهی شده، به طوری که حجرات تحتانی نمود و تاریک و سقف‌های حجرات فوقانی فرو ریخته و نظام حوزه هم از هم گسیخته و فاقد هر گونه امکانات بود، به طوری [که کسی رغبت به سکونت در آن‌ها را نداشت و نه دولت به فکر تعمیر آن‌ها بود و نه ملت برای آبادی آن‌ها چاره‌ای می‌کردند و بعضی مدارس موقوفه نداشت، آن‌ها هم که موقوفه داشت متأسفانه در ید متولیان بی‌دین و بی‌لیاقت و مستأجران بی‌رحم و بی‌دیانت و اوقاف مرده و بی‌حرکت بود و خواسته استعمارگران هم همین بود که از راه ضایع کردن موقوفات که محور اقتصادی مساجد و مدارس بود، دین و روحانیت را تضعیف کنند. به هر حال این وضع نابسامان ما را بر آن داشت در صورت امکان، هم مقداری به وضع ظاهری مدارس بپردازیم و هم برنامه‌ای منظم برای امور تحصیلی طلاب فراهم سازیم و خداوند عنایت فرمود تا حدّ توان به این امر پرداختیم، گر چه مشکلات فراوان و مصیبت‌ها زیاد بود ولی «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا؛ إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» (۷۷) و «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ أَحْمَرُهَا» (۷۸) خداوند متعال خود می‌داند که جز رضای خدا هدفی را دنبال نمی‌کردم و اگر کارهای دیگری از من انتظار می‌داشتند - شاید هم به موقع بود - من رسیدگی به وضع حوزه و مدارس را بر همه چیز مقدم می‌دانستم، ولی بعضی طلاب جوان درد مرا احساس نمی‌کردند و هر چند صباحی بهانه جوئی می‌کردند و یا به وسیله بعضی عناصر مغرض تحریک می‌شدند، ولی بسیاری از آنان پس از گذشت زمان متنبه می‌شدند. در اینجا باز هم اشعار مرحوم فیض - رضوان الله علیه - بسیار متناسب است، همان اشعاری را که به مرحوم فیاض نوشته: قلم گرفتم و گفتم مگر دعا بنویسم دعا به یار جفاکار بی‌وفا بنویسم شکایتی به لب آمد ز جورهای تو گفتم به هیچ نامه ننگنجی تو را کجا بنویسم دعا و شیکوه به هم در نزاع و من متحیر کدام را بنویسم کدام را بنویسم خدای داند و بس جز خدا کسی نبداند که گر سر گله را وا کنم چها بنویسم اگر سر گله را وا کنم وفا نماید مداد بحر و بیاض

زمین کجا بنویسم همان به است که خاموش گردم از گله چون فیض ز مدعا نزنم دم همین دعا بنویسم (۷۹) در هر صورت اگر چه موفق به اصلاح کلی نشدم، ولی ما لا یُدْرِكُ كَلْمَهُ لَا يُتْرَكُ كَلْمَهُ. چرا باید این همه مدارس علمیه که در شهر مذهبی اصفهان بوده، بسیاری از آن‌ها به مدارس پسرانه و دخترانه یا خانه‌های ملکی تبدیل شده باشد و اثری از آثار آن‌ها نباشد؟! چرا باید مدارس که بعضی از آن‌ها در مراکز حسیاس واقع شده، مخروبه و غیر قابل سکونت باشد و یا میدان بازی بچه‌ها و جوانان باشد؟! چرا باید موقوفات مدارس حیف و میل شود؟! چرا باید در یک شهر مذهبی ده‌ها هزار دانشجو در دانشگاه‌های مختلف از همه امکانات برخوردار باشند و ما باید وضع سه هزار طلبه را نتوانیم رسیدگی کنیم؟! چرا باید طلبا ما ناچار باشند قسمتی از شبانه روز خود را صرف کارهای دیگر کنند تا بتوانند هزینه زندگی خود را تأمین کنند؟! گذشتگان ما با خلوص نیت علت مُحَدِّثَهُ بودند برای ساختن این مراکز با برکت، بیایید ما اگر علت مُحَدِّثَهُ نیستیم لا اقل علت مُبْقِیَهُ باشیم. این مدارس متعلق به حضرت بقیة الله است، باید آبرومندترین مکان‌ها باشد، به خصوص در اصفهان که یک مرکز توریستی است و هر روز از گوشه و کنار دنیا به این شهر و دیار می‌آیند و با کوله باری از خاطره‌ها این کشور را ترک می‌کنند و احیاناً در سفرنامه‌های خود آن‌ها را منعکس می‌کنند. بدا به حال ما اگر از این مسیر لطمه‌ای به حیثیت تشیع و اسلام وارد گردد. مردم دنیا عقل‌هایشان در چشم‌های آن‌ها است، ما نباید بگذاریم آن‌ها دست خالی برگردند. ما باید معارف و علوم اسلامی را به آن‌ها منتقل کنیم. درود به روان پاک بزرگ مردانی که این همه آثار چشم‌گیر از خود به جای گذاردند و تمام هنرهای خود را در راه ترویج مذهب به کار گرفتند و با پیاده کردن هنرهای خود، دین و اسلام و تشیع را صادر کردند، همه آن‌ها به جای خود، ولی ما نباید بگوییم چه داشته‌ایم، باید بگوییم فعلاً چه داریم. این از نظر ظاهر و جنبه مادی و اما از نظر معنوی و دینی این مدارس پایگاه فرهنگ اسلام است و به مصداق آیه شریفه نفر: «لَوْ لَا نَفَرْنَا مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لَيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لَيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» (۸۰) باید برای تفقه هجرت کرد، هجرت إلى الله. در گذشته مراکز فرهنگی در مدارس دینی خلاصه می‌شد، ولی با راه پیدا کردن استعمار فرهنگی به کشورهای اسلامی حوزه‌ها محدود شد و بسیاری از علوم به تدریج از برنامه حوزه‌ها حذف شد، با این که در تفقه به وجود آن‌ها نیاز مبرم بود؛ مثل علوم ریاضی، هیئت، نجوم و غیره و دانشگاه‌ها جای حوزه‌ها را گرفت؛ حتی در حوزه علم طب تدریس می‌شد که من خود چندین نفر از شاگردان آن مکتب‌ها را درک کرده بودم. بهتر است مطلب را خلاصه کنم، خوف آن هست که اگر حوزه‌ها ابتکار عمل را از دست دهند، طولی نمی‌کشد که دیگر سرمایه‌ای برای عرضه کردن به دنیا نخواهند داشت. روزی دنیا دست نیاز به طرف ما دراز می‌کرد و ما بودیم که می‌بایست به آن‌ها جهت می‌دادیم و امروز کشورهای شرقی و غربی هستند که برای ما معلم می‌سازند و اسرائیل است که برای ما اسلام شناس می‌سازد، مخصوصاً در این اواخر، هر روز با مکتب جدیدی روبرو می‌شویم. باید بیدار باشیم که اگر لحظه‌ای غافل شدیم، با ده‌ها ایسم و صدها ژستِ روشنفکرانه همه چیز ما را می‌برند و اگر از این راه موفق نشوند، با زنده کردن مذاهب باطله و ترویج فرقه‌های ضاله روابط مردم را با اسلام و تشیع قطع می‌کنند، روحانین متعهدند که در سنگر مبارزه با این گروه‌ها مبارزه کنند و از دین و آیین و مذهب دفاع نمایند. «بِالْإِسْلَامِ قَالَ: قَالَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: لَوْ لَا مَنْ يَبْقَى بَعْدَ غَيْبِهِ قَائِمًا عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَ الْعُلَمَاءِ الدَّاعِينَ إِلَيْهِ وَالِدَّاعِينَ عَلَيْهِ وَالِدَّاعِينَ عَنِ دِينِهِ بِحُجَجِ اللَّهِ وَالْمُنْفِذِينَ لَضَعَفَاءِ عِبَادِ اللَّهِ مِنْ شَبَاكِ إبْلِيسَ وَمَرَدَّتِهِ وَمِنْ فِخَاخِ النَّوَاصِبِ لَمَا بَقِيَ أَحَدٌ إِلَّا ارْتَدَّ عَنْ دِينِ اللَّهِ وَ لَكِنَّهُمْ الَّذِينَ يُمْسِكُونَ أَرْزَمَةَ قُلُوبِ ضَعَفَاءِ الشَّيْعَةِ كَمَا يُمْسِكُ صَاحِبُ السَّفِينَةِ سِكَانَهَا أَوْلَيْكَ هُمْ الْأَفْضَلُونَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ». (۸۱) و با یک اطلاعات سطحی و محدود، حوزه‌ها نمی‌توانند جواب گوی این همه حمله‌ها و همه‌ها باشند؛ خصوصاً اگر افرادی در کسوت روحانیت با استفاده از سلاح برنده علم به جنگ اسلام بیایند که در تاریخ از این قماش عالمان فراوان بوده‌اند که علی‌علیه السلام با آن قدرت علمی و با آن سعه صدر می‌فرماید: «فَصَيَّمْ ظَهْرِي عَالِمٌ مُتَهْتِكٌ وَ جَاهِلٌ مُتَسَكِّكٌ فَالْجَاهِلُ يُغْشِي النَّاسَ بِنَسْئِكَهِ وَ الْعَالِمُ يُعْرِضُهُمْ بِتَهْتِكِهِ». (۸۲) کسانی را می‌بینیم که تحت تأثیر شرائط زمان قرار گرفته‌اند و در مقام این هستند مطابق دلخواه مردم احکام الهی را تغییر دهند و

قرآن و روایات را با خواسته‌های نفسانی مردم تطبیق دهند و خطر این دسته از همه کس برای اسلام بیشتر است و مبارزه با آنان از مبارزه با طبقات دیگر مشکل‌تر. حضرت صادق علیه السلام به عنوان بصری فرمودند: «وَاهْرَبْ مِنَ الْفُتْيَا هَرَبَكَ مِنَ الْأَسَدِ وَلَا تَجْعَلْ رَقَبَتَكَ لِلنَّاسِ جِشْرًا». (۸۳) و یکی از برنامه‌های حضرت بقیه الله - ارواحنا فداه - تغییر همین نظریات است. در نهج البلاغه آمده: «يُعْطِفُ الْهُوَى عَلَى الْهُدَى إِذَا عَطَفُوا الْهُدَى عَلَى الْهُوَى وَيَعْطِفُ الرَّأْيَ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَطَفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ». (۸۴) خلاصه طلب عزیز بدانند که در پست مرز داری قرار دارند و اگر به خاطر ترس یا طمع به مال و ریاست یا تطمیع دیگران مرز را برای نفوذ اجانب خالی کردند، به لعنت خدا و رسول گرفتار خواهند شد. «إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ». (۸۵) و آن وقتی یک فرد می‌تواند مقاومت کند که با حربه بی‌سوادی و نداشتن تخصص، او را از صحنه نتواند خارج نمایند. عزیزان مراقب باشید دشمن در کمین این است که چهره مقدس اسلام را وارونه جلوه و او همان طور مولای ما علی علیه السلام فرمود: «لُبِسَ الْأَسِيلَامُ لُبْسَ الْفَرَوِ مَقْلُوبًا». (۸۶) شما باید چهره واقعی اسلام را به مردم ارائه دهید و نگذارید اسلام را تحریف کنند. چرا باید حوزه اصفهان ما با آن سوابق درخشان در ماه حتی یک صفحه نشریه نداشته باشد؟ متأسفانه بازسازی مدارس به من مجال نداد که در این زمینه کاری انجام دهم، اگر خداوند به من حیات و توفیق داد، به خواست خدا اقدام خواهم کرد (۸۷) و اِلَّا از فرزندان عزیز و برادران روحانیم درخواست عاجزانه دارم که در این امر کوتاهی نکنند. ... در خاتمه دوست دارم وصیت مرحوم علامه را که به فرزند خود نوشته، ترجمه کنم و بنده هم به زبان او به شما وصیت کنم. ایشان در آخر کتاب «قواعد الأحكام» خطاب به فرزند خود فخرالمحققین می‌فرماید: «إِعْلَمْ يَا بُنَيَّ! أَعَانَكَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى طَاعَتِهِ وَوَقَّفَكَ لِفِعْلِ الْخَيْرِ وَمُلَازِمَتِهِ وَأَرْشَدَكَ إِلَى مَا يُجِبُّهُ وَيَرْضَاهُ وَبَلَّغَكَ مَا تَأْمُلُهُ مِنَ الْخَيْرِ وَتَتَمَنَّاهُ وَأَسْبَعَكَ اللَّهُ فِي الدَّارَيْنِ وَحَبَاكَ بِكُلِّ مَا تَقَرُّ بِهِ الْعَيْنُ وَمَدَّ لَكَ مِنَ الْعُمُرِ السَّعِيدِ وَالْعَيْشِ الرَّغِيدِ وَحَتَمَ أَعْمَالَكَ بِالصَّالِحَاتِ وَرَزَقَكَ أَسْبَابَ السَّعَادَاتِ وَأَفَاضَ عَلَيْكَ مِنْ عَظَائِمِ الْبَرَكَاتِ وَوَقَاكَ اللَّهُ كُلَّ مَحْذُورٍ وَدَفَعَ عَنكَ الشُّرُورَ ... تا آنجا که می‌فرماید: تو را به ملازمت تقوی توصیه می‌کنم که آن سنه قائمه و فریضه لازمه است و سپری نگه دارنده و ذخیره‌ای جاودانه است و سودمندترین چیزهایی که انسان می‌تواند آن را برای روزی که چشم‌ها در آن روز بی‌حرکت می‌ماند و در آن جا یاوری وجود ندارد، آماده کند. بر تو باد به اطاعت از اوامر باری تعالی و انجام کارهایی که خداوند از آن‌ها راضی است و اجتناب از کارهایی که مورد رضای او نیست و دوری جستن از نواهی پروردگار و این که عمر خود را در تحصیل کمالات نفسانی صرف نمایی و اوقات خود را در به دست آوردن فضائل علمی طی کنی و از حسیض نقصان، خود را به اوج کمال ارتقاء دهی و خود را به قلّه رفیع شناخت خدا و دیگر معارف برسانی و به بذل معروف و یاری برادران دینی پرداخته و در مقابل کسانی که به تو بدی می‌کنند، مقابله به احسان نمایی و از همنشینی مردم پست و معاشرت با جُبهال خود داری کنی که موجب آلوده شدن تو به اخلاق بد و ملکات پست و ناپسند می‌شود و پیوسته با دانشمندان همدوش و با فضلا مجالست نما که تو را برای تحصیل کمالات آماده می‌سازد و ملکه راسخه‌ای در تو برای استنباط مجهولات به وجود می‌آورد و باید امروز تو، بهتر از دیروز باشد و پیوسته صبر و توکل و رضا پیشه کن و هر روز و شب به محاسبه نفس پرداز و زیاد استغفار کن و از نفرین مظلوم پرهیز، خصوصاً یتیمان و پیره زنان، که خداوند نسبت به آن بی‌تفاوت نخواهد بود. بر تو باد به نماز شب که رسول خداصلی الله علیه وآله بر آن تأکید داشت و سفارش می‌نمود و فرمود: «کسی که شب را با قیام به پایان برساند، بهشت بر او واجب می‌شود». (۸۸) و بر تو باد به صله رحم که موجب طول عمر می‌شود. و بر تو باد به حسن خلق که رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: «شما با اموال خودتان نمی‌توانید به همه مردم برسید، پس لا- اقل با اخلاق خوب با آن‌ها برخورد کنید». (۸۹) و بر تو باد به رسیدگی به ذریه پیغمبر خدا و سادات علوی که خداوند در مورد آن‌ها تأکید فرموده و مودت آنان را اجر رسالت قرار داده و فرموده: «لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى». (۹۰) و پیغمبر خداصلی الله علیه وآله فرمود: «من روز قیامت چهار گروه را شفاعت می‌کنم و لو مرتکب گناهان اهل دنیا شده باشند: ۱- مردی که مردی از ذریه مرا یاری کند، ۲- و مردی که از مالش به ذریه من بذل کند در

موقع گرفتاری، ۳- و مردی که ذرّیه مرا با قلب و زبان دوست داشته باشد، ۴- و مردی که برای برآوردن حوائج ذرّیه من تلاش کند هنگامی که از جامعه رانده شود». (۹۱) و امام صادق فرمود: «وقتی روز قیامت شود، منادی ندا کند که: ای خلائق! ساکت باشید که محمدصلی الله علیه و آله با شما سخن می گوید، پس خلائق ساکت می شوند، پس پیغمبر خداصلی الله علیه و آله می ایستد و می فرماید: برای کسی نزد من یدی هست (یعنی به من کمکی داده) یا بر من ممتی دارد یا کار خیری در حق من انجام داده، بایستد تا او را مکافات کنم و پاداش دهم. همه در جواب می گویند: پدران و مادرانمان فدای شما گردند، ما چه کمکی به شما کرده ایم و چه ممتی بر شما داریم و چه کار خیری در حق شما انجام داده ایم؟! بلکه خدا و رسولش به ما کمک داده اند و بر ما منت دارند و در حق ما خوبی کرده اند. سپس آن حضرت می فرماید: هر کس یکی از فرزندان مرا پناه داده یا در حق آنها نیکی کرده یا آنها را از برهنگی نجات داده یا پس از گرسنگی آنها را سیر کرده، بایستد تا او را پاداش دهم. گروهی از کسانی که این کارها را انجام داده اند می ایستند، از جانب خداوند ندا می رسد: ای محمّد! ای حبیب من! من پاداش آنان را به تو واگذار کردم، پس ای پیغمبر خدا! آنان را در بهشت هر کجا می خواهی جای ده. پس آنها را در وسیله در جایی که بین آنها و محمّد و آل محمّدصلی الله علیه و آله حاجبی نباشد، جای می دهد». (۹۲) بر تو باد به تعظیم فقهاء و تکریم علما که رسول خداصلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که فقیه مسلمانی را احترام کند، در روز قیامت خداوند را در حالی ملاقات می کند که خداوند از او راضی می باشد و کسی که به فقیه مسلمانی اهانت کند، روز قیامت در حالی که خدا از او غضبناک است ملاقات خواهد کرد». (۹۳) خداوند نگاه کردن به صورت عالم و نگاه کردن به در خانه عالم و همنشینی و مجالست با عالم را عبادت قرار داده. و بر تو باد که در راه زیاد کردن علم و تفقه در دین تلاش کنی، که امیر المؤمنین علی علیه السلام به فرزندش فرمود: «در دین تفقه کن که فقها وارثان انبیاء هستند و برای خواستاران علم، کسانی که در آسمانها و زمین هستند طلب آموزش می کنند، حتی مرغان هوا و ماهیان دریا و ملائکه بالهای خود را برای طالب علم می گسترانند، زیرا از او خشنودند». (۹۴) از این که علم خدا را کتمان کنی پرهیز و از کسانی که استحقاق آن را دارند که علم به آنها تعلیم داده شود، علم را از آنها منع مکن که خداوند متعال فرموده: «إِنَّ الَّذِي يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ». (۹۵) و پیغمبر خداصلی الله علیه و آله فرمود: «هنگامی که بدعتها ظاهر و آشکار می شود، عالم باید علم خود را ظاهر کند و کسی که به این وظیفه عمل نکند، لعنت خدا بر او باد». (۹۶) و آن حضرت فرمود: «حکمت را به غیر اهل آن ندهید که به حکمت ستم کرده اید و حکمت را از اهلش منع نکنید که به آنان ظلم کرده اید». (۹۷) بر تو باد به تلاوت قرآن عزیز و تفکر در معانی قرآن و فرمان برداری از اوامر و نواهی قرآن و بر تو باد به جستجو از اخبار نبویّه و آثار محمّدیّه و تحقیق و بحث از معانی آنها و دقت نظر در مفاهیم آنها و من در این زمینه کتابهایی از خود به جای گزارده ام، این مطالب مربوط به تو بود. اما آن چه مربوط به من است و نفع آن به من می رسد، آن است که در بعضی اوقات با طلب رحمت از خدا در حق من، با من تجدید عهد کن و ثواب بعضی از عبادت‌هایت را برای من هدیه بفرست و از من کم یاد مکن که اهل وفا تو را به مکر نسبت خواهند داد و زیاد یاد مرا به زبان نیاور که مردم با همت، تو را به عجز و ناتوانی نسبت می دهند، بلکه مرا در خلوتها و پس از نمازها یاد کن و بدهیهای واجبه مرا پرداز و تعهدات لازمی را که داده ام ادا کن و به مقدار امکان قبر مرا زیارت کن و بالای قبر من مقداری قرآن بخوان و کتابهایی را که عجل مهلت نداده تمام کنم، به اتمام برسان و اگر خلل و نقصان و یا خطا و نسیانی در آن مشاهده کردی اصلاح کن؛ هذّه وصیّتی الیک و اللّٰه خلیفتی علیک». (۹۸) و السلام علیکم و رحمۀ اللّٰه و برکاته سیّد حسن فقیه امامی ۸/۱/۱۳۷۵

آیه الله امامی قدس سره در رثای شاعران

شیعه را خاموش شد دیگر چراغ انجمن تیره شد تنها نه چشم انجمن، چشم وطن اهل علم و معرفت را عالم آزاد رفت اصفهان را ابر

رحمت رفت از بر وای من عالم علم اصول و فقه و توحید کمال نور چشم اهل دین عبد خدای ذوالمنن مظهر حُسن و جمال و علم و تقوا و ادب رو حسن، خلقش حسن، نامش حسن دوستان را ارتحال این فقیه اهل بیت رفت روح عزت و ایمان و آزادی ز تن گشته دار العلم در فقدان او بزم عزا اصفهان گردیده در هجران او بیت الحزن بر فراز دوش اهل اصفهانش دیده‌اند در حقیقت بر روی بال ملک بود این بدن کاش جای پیکر نورانی آن جان پاک پیکر رنجور ما پوشیده می‌شد از کفن هر طرف رو کرد بر اهل فضیلت نور داد هر کجا بگشود لب افشاند گوهر از دهان پیکر نورانی او در کفن پیچیده شد جسم جدش زیر سم اسب از جور و فتن در کنار قتلگه انگشت جدش را برید تا برد انگشتر او را به غارت اهرمن خیزی ای سید حسن از بهر جدت گریه کن گریه کن بر غربت جدت چو شمع انجمن در غم شخصی که عمری سوخت از بهر حسین شیعه چون پروانه گردیده است کارش سوختن از سروده‌های شاعر با اخلاص اهل بیت علیهم السلام حاج غلامرضا سازگار * * * ای سرا پا مهربانی و وفا ای وجودت وقف آل مصطفی ای فقیه عالم اهل عمل ای صبوری شما ضرب المثل در مقام علم تو داد سخن خود گواهی ده نباشد کار من فقها باید سخنرانی کنند علما باید در افشانی کنند ای ز اخلاقت همه غرق عجب اوستاد درس اخلاق و ادب هم چو من صدها هزاران در جهان شده مفتون شما و خلقتان شاهد این گفته من مردمند مردمی که از غمت سر در گمند دوست و دشمن همه حیران تو در وداع رفتنت گریان تو عمر خود را صرف قرآن کرده‌ای جان خود را ظرف جانان کرده‌ای ای مرام تو مرام اهل بیت ظاهر و باطن غلام اهل بیت بر مرامت پایداری کرده‌ای هم چو کوهی استواری کرده‌ای تو دفاع از خط زهرا کرده‌ای مشت خصم مرتضی واکرده‌ای مانده در یاد همه رفتار تو حکمت پنهان در گفتار تو مانده از تو بهر یاران یادگار حوزه‌هایی با شرف چون ذوالفقار خیریه‌ها حوزه‌ها مدیون تو هر حسینی تا ابد ممنون تو راه تو راه امیر المؤمنین راه زهرا راه ختم المرسلین راهتان را ارج والا می‌نهیم بالیقین این ره ادامه می‌دهیم تو فدائی ولایت بوده‌ای جز به یاحیدر لب ننگشوده‌ای تا به جایی که بگفتی با همه دیده پر اشک بین زمزمه هر که می‌خواهد که خوشحالم کند مرهمی بر قلب رنجورم زند وقت تشییع تن من دیده تر سینه سوزان گیرد از عمق جگر ذکر یاحیدر که من با حیدرم کس نباشد غیر حیدر سرورم رفتی و با رفتنت هر دل شکست حسرت دیدار تو بر دل نشست رفتی و باور ندارم رفتنت بی‌خبر شعر جدایی خواندت الوداع ای مهربان مثل پدر از چه این گونه تو رفتی بی‌خبر خسته و رنجور فرزندان تو مات و حیرانند شاگردان تو دوستان قلبشان پزغم شده در عزایت قامتشان خم شده گر چه ما از رفتن تو سوختیم از حضورش درس‌ها آموختیم دل شکسته از فراق روی یار یادمان دادی تو درس انتظار یادمان دادی با چشمان تری گریه را بر داغ زهرا مادرت ای عطاء الله بگرفته تو را از عطای ضامن آهو رضا با آغاز و پایان تو بود در کف او رشته جان تو بود از سروده‌های شاعر و مداح اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام آقای علی پاکدامن * * *

پاورقی‌ها

(۱) نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷. ۲) در کتاب سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان: ص ۱۵۵، به اشتباه نوشته: سید محمد حسین فرزند سید میرزا حسینی. ۳) وی در شهر «رمله» در فلسطین اقامت می‌کرده است. ۴) وی از چهره‌های مهم علمی و اجتماعی عصر خویش بوده، برای همین منصب نقابت (یعنی سیدی که از طرف دربار مأمور رسیدگی به امور علویان بوده) به او واگذار گردیده است (یادواره آیه الله فقیه امامی: ص ۱۸). ۵) مرحوم میرزا عبدالله افندی اصفهانی در کتاب «ریاض العلماء: ج ۴ ص ۱۸۷» در ذیل شرح حال مرحوم سید علی فرزند سید محمد امامی اصفهانی، نسب وی را همان گونه که در اینجا ذکر نمودیم از حاشیه عالم معاصر خویش مولی ذوالفقار (فرزند علی سلطان اصفهانی، ملقب به کمال الدین، از ازکیاء تلامیذ مرحوم علامه مجلسی، صاحب کتاب الأربعین فی مطاعن المتصوفین) بر کتاب المجدی فی الأنساب تألیف ابن صوفی، نقل نموده است. ۶) تصویر این اجازه در کتاب: «فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرحوم آیه الله حاج سید حسن فقیه امامی: ج ۱ ص ۱۷۶»، به چاپ رسیده است. ۷) دانشوران

اصفهان: نسخه خطی، برگ ۱۲۰ . ۸) یادواره آیه الله فقیه امامی: ص ۹ . ۹) دانشوران اصفهان: نسخه خطی، برگ ۱۲۰ . ۱۰) ریشه‌ها و جلوه‌های تشیع و...: ج ۲ ص ۴۲۸ . ۱۱) در کتاب سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان: ص ۱۵۵، به اشتباه نوشته: سید محمد حسین فرزند سید میرزا حسینی. ۱۲) یادواره آیه الله فقیه امامی: ص ۳۱ . ۱۳) تاریخ دقیق سخترانی به دست نیامد، ولی با در نظر گرفتن اینکه فرزند بزرگ آن مرحوم، یعنی مرحوم حاج سید ابوالفضل، در آن زمان همراه پدر مشرف به بارگاه ملکوتی ثامن الحجج علی بن موسی الرضاء - علیه و علی آباءه آلاف التحیة والثناء - بوده و حدود دوازده سال داشته و تولد وی نیز سال ۱۳۱۷ ه ق بوده، به این نتیجه می‌رسیم که سخترانی ایشان حدود سال ۱۳۲۹ ه ق ایراد شده، و در آن زمان متولّی آستان قدس مرحوم میرزا محمّد شفیع خان صدر الممالک، فرزند میرزا محمّد علی صدر قزوینی بوده است (شرح حال رجال ایران: ج ۳ ص ۴۰۹). ۱۴) مصاحبه با جناب آقای سید جعفر امامی، فرزند کوچک مرحوم قوام المحدثین. ۱۵) در کتاب «سیری در تخت فولاد اصفهان: ص ۱۵۵»، و نیز کتاب «یادواره آیه الله فقیه امامی: ص ۳۱» به اشتباه تاریخ وفات ایشان ۱۳۴۷ ه ق نوشته شده است. ۱۶) از جمله تکایای عهد صفوی که بر مزار عالم فقیه ملا محمّد بن عبدالفتاح تنکابنی معروف به «فاضل سراب» متوفی ۱۱۲۴ ه ق، در زمان سلطان حسین صفوی احداث گردید؛ این تکیه به نام «جویبارهای» نیز معروف می‌باشد، زیرا شماری از علماء و بزرگان محلّه جویبار، مانند مرحوم میرزا محمّد مهدی جویبارهای فرزند ملا صالح متوفی ۱۳۲۵ ه ق، در آن مدفون می‌باشند. ۱۷) وی تاریخ تولد فرزندان خویش را در برگ پایانی قرآنی که به سال ۱۲۸۶ ه ق چاپ سنگی شده، ثبت و ضبط نموده است. ۱۸) یادواره آیه الله فقیه امامی: ص ۲۴ . ۱۹) بحار الأنوار ج ۱۰۲ ص ۹۷ (رساله الفیض القدسی)؛ و تکملة أمل الآمل ج ۴ ص ۸۴ . ۲۰) ریاض العلماء ج ۴ ص ۱۸۶ . ۲۱) تکلمه أمل الآمل ج ۴ ص ۸۴ . ۲۲) الفوائد الرضویة ج ۱ ص ۳۲۰ . ۲۳) ریاض العلماء: ج ۴ ص ۱۸۶ . ۲۴) فهرست کتب خطی اصفهان: ج ۱ ص ۲۴۷ . ۲۵) فهرست نسخ خطی کتابخانه آیه الله مرعشی: ج ۴ ص ۱۱۸ شماره ۱۳۴۰ . ۲۶) فهرست کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی: شماره ۱۳ صفحه ۱۵۶، شماره نسخه ۷۵۳۹ م. ۲۷) فهرست نسخه‌های خطی سه کتابخانه اصفهان: ص ۶۷ شماره ۶۴ از کتابخانه مرحوم آیه الله سید رضا ابوالبرکات؛ در یکی از صفحات این نسخه ارزشمند مهر بیضوی با نشان «لا إله إلا الله الملك الحق المبين سید علی حسینی» به چشم می‌خورد که ظاهراً از مؤلف کتاب است. ۲۸) ریاض العلماء: ج ۴ ص ۱۸۷ . ۲۹) تلامذة العلامه المجلسی رحمه الله: ص ۴۵ . ۳۰) زندگینامه علامه مجلسی قدس سره: ج ۲ ص ۶۳ . ۳۱) ریاض القدس وحظیره الأنس، للسید أحمد بن زین العابدین العلوی: مخطوطه مکتبه آیه الله المرعشی قدس سره المرقمه (۱۲۵۹۰)، و الإجازة بخط المجیز فی آخره، کتبها بعد قراءة المجاز الكتاب علیه، و الكتاب بخط المجاز. ۳۲) مستوفی موقوفات عامه، کسی بوده که سرپرستی و مسئولیت امور اوقاف عامه را، بر عهده داشته است. ۳۳) ریاض العلماء ج ۴ ص ۱۸۶ . ۳۴) ریاض العلماء ج ۴ ص ۱۸۶ . ۳۵) ریاض العلماء: ج ۵ ص ۴۶۷ . ۳۶) تاریخ عالم آرای عباسی ج ۱ ص ۱۵۱؛ و ریاض العلماء ج ۵ ص ۴۶۷ . ۳۷) روضات الجنّات: ج ۴ ص ۲۱۲ . ۳۸) زندگینامه آیه الله چهارسوقی: ص ۱۷۴ در پاورقی . ۳۹) تصویر سند مذکور در کتاب «فرهنگ و تاریخ گز برخوار: ص ۷۶» به چاپ رسیده است. ۴۰) یادواره آیه الله فقیه امامی: ص ۱۹ . ۴۱) تاریخ اصفهان: ص ۱۲۴؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان: ص ۳۴۱ - ۳۵۳ . ۴۲) تاریخ قم: ص ۲۲۴؛ و مقدمه کتاب مسائل علی بن جعفر علیه السلام. ۴۳) بینه ۷ / ۸ «کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته نموده‌اند، اینانند که خود بهترین آفریدگانند؛ پاداش آنان در نزد پروردگارشان بهشت‌های همیشگی است که جوی‌هایی از فرو دست آن جاری است و جاودانه در آنند، هم خداوند از ایشان خشنود است و هم آنان از او خشنودند، این از آن کسی است که از پروردگارش بترسد». ۴۴) تصاویر تمامی اجازه‌نامه‌ها در آخر کتاب: «فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه شخصی مرحوم آیه الله حاج سید حسن فقیه امامی، دفتر اول صص ۱۷۷ - ۳۴۸»، به چاپ رسیده است. ۴۵) فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیه الله حاج سید حسن فقیه امامی، دفتر اول، ص ۱۹۵ و ۱۹۶. ۴۶) فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیه الله حاج سید حسن فقیه امامی، دفتر اول، ص ۲۰۹ الی ۳۴۸. ۴۷) این شعر در سفر حجّ سروده شده است. ۴۸) به نقل از نواده مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی؛ آیه

اللّه سید جواد میر سجّادی مندرج در کتاب «حیات جاودانی» صفحه ۱۷۹ الی ۱۸۲. ۴۹) تراز سیاست، ابوالحسنی منذر ص ۹۶. ۵۰) برگرفته از کتاب ریشه‌ها و جلوه‌های تشیع ج ۲ ص ۱۶۲. ۵۱) طرف غربی مدرسه ذوالفقار را مرحوم آیه‌اللّه حاج شیخ محمد باقر زند کرمانی (متوفای ۱۳۸۹ ق) تجدید بنا نمودند و به مرحله سفت کاری رساندند، ولی عمر ایشان پایان یافت و در سال ۱۳۴۹ شمسی (۱۳۹۰ ق) پس از شروع برنامه منظم و مفصل درسی مدرسه ذوالفقار، مرحوم آیه‌اللّه حاج سید حسن فقیه امامی تجدید بنای مدرسه را به سبک قدیم ادامه داده و با مقداری تغییر در ساختمان، بنای آن را با کاشی کاری و نماسازی به پایان رساندند. (ریشه‌ها و جلوه‌های تشیع: ج ۲ ص ۱۶۱؛ یادواره آیه‌اللّه فقیه امامی: ص ۲۷). ۵۲) توضیحات بیشتر پیرامون این مدرسه را در کتاب: ریشه‌ها و جلوه‌های تشیع و حوزه علمیه اصفهان: ج ۲ ص ۲۸۸ بخوانید. ۵۳) توضیحات بیشتر در کتاب ریشه‌ها و جلوه‌های تشیع و ...: ج ۲ ص ۱۷۴ - ۱۷۷؛ آمده است. ۵۴) ریشه‌های و جلوه‌های تشیع و ...: ج ۲ ص ۱۵۳ - ۱۵۹. ۵۵) این مدرسه که بسیار خراب و متروکه گردیده بود، با همت حضرت آیه‌اللّه حاج سید حسن فقیه امامی قدس سره در حدود سال ۱۴۰۰ ق تعمیرات اساسی مفصلی در آن انجام گرفت و طلاب حوزه علمیه در آن اسکان یافتند. (ریشه‌ها و جلوه‌های تشیع ج ۲ ص ۴۹). ۵۶) ریشه‌ها و جلوه‌های تشیع: ج ۲ ص ۲۰۹ - ۲۱۹. ۵۷) این مدرسه، حکمیّه و شمسیه نیز خوانده شده است (ریشه‌ها و جلوه‌های تشیع ج ۲ ص ۱۷۹ - ۱۸۵). ۵۸) برای آگاهی بیشتر از این مدرسه بنگرید به کتاب ریشه‌ها و جلوه‌های تشیع ج ۲ ص ۲۰۰ الی ۲۰۳. ۵۹) برای اطلاع بیشتر از خدمات شایسته مرحوم آیه‌اللّه فقیه امامی در راه اندازی، بازسازی و اداره مدارس علمیه حوزه اصفهان، و مشکلات پیش آمده در این راه، نگاه کنید به فصلنامه میراث جاویدان: سال پنجم، شماره ۳ و ۴، شماره مسلسل ۱۹ و ۲۰، ص ۷۸ تا ۸۵ «گفتگو با آیه‌اللّه سید حسن فقیه امامی احیاگر کوشای مدارس علمیه و موقوفات آن». ۶۰) بحار الأنوار. علامه مجلسی ج ۲ ص ۲۲ باب ۸ ح ۶۵. ۶۱) فجر / ۲۸. ۶۲) نجم / ۳ و ۴. ۶۳) نجم / ۵. ۶۴) بحار الأنوار، علامه مجلسی ج ۱۰ ص ۱۱۹ باب ۸ ح ۸. ۶۵) حاقه / ۴۴ الی ۴۶. ۶۶) بقره / ۲. ۶۷) زمر / ۳۳. ۶۸) توبه / ۱۱۹. ۶۹) کافی، محدث کلینی ج ۲ ص ۷۴ باب الطاعه و التقوی ح ۲. ۷۰) انعام / ۵۹. ۷۱) آل عمران / ۱۳۹. ۷۲) قائل این کلام مولی الموحّیدین امیرالمؤمنین علی علیه السلام هستند. مرحوم علامه مجلسی در کتاب شریف بحار الأنوار ج ۱۰ ص ۱۱۷ باب ۸ احادیثی تحت عنوان: «ما تفضل صلوات اللّه علیه به علی الناس بقوله سلونی قبل أن تفقدونی و فیه بعض جوامع العلوم و نوادرها» ذکر نموده‌اند؛ در بخشی از حدیث اول این گونه آمده است: «ثُمَّ قَالَ: يَا مَعْشَرَ النَّاسِ سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي هَذَا سِفْطُ الْعِلْمِ، هَذَا لِعَابِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، هَذَا مَا زَفَيْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ زَقًّا زَقًّا». ۷۳) این کلام اشاره است به گفته ابوبکر که در احادیث ذکر شده است، از باب نمونه بخشی از حدیثی را از کتاب شریف بحار الأنوار، علامه مجلسی ج ۱۰ ص ۲۶ باب ۱ ح ۱۴ یاد آور می‌شویم: «قَالَ فَعِنْدَ ذَلِكَ خَرَجَ أَبُو بَكْرٍ وَرَفِيَ الْمِنْبَرُ وَقَالَ: أَقِيلُونِي أَقِيلُونِي أَقِيلُونِي لَسْتُ بِخَيْرِكُمْ وَ عَلِيٌّ فِيكُمْ». ۷۴) رسائل ملّا محسن فیض کاشانی، رساله الإنصاف ص ۱۸۹ و ترجمه عربی آن نیز در کتاب قره العین ص ۳۳۱ آمده است. ۷۵) دیوان أشعار، ملّا محسن فیض کاشانی غزل شماره ۵۸۶. ۷۶) بحار الأنوار، علامه مجلسی ج ۲ ص ۹۲ باب ۱۴ ح ۲۰. ۷۷) سوره الشرح / ۵ و ۶. ۷۸) بحار الأنوار، علامه مجلسی ج ۶۷ ص ۱۹۱ باب ۵۳. ۷۹) دیوان أشعار، ملّا محسن فیض کاشانی غزل شماره ۶۴۲. ۸۰) توبه / ۱۲۲. ۸۱) بحار الأنوار، علامه مجلسی ج ۲ ص ۶ باب ۸ ح ۱۲. ۸۲) بحار الأنوار، علامه مجلسی ج ۲ ص ۱۱۱ باب ۱۵ ح ۲۵. ۸۳) بحار الأنوار، علامه مجلسی ج ۱ ص ۲۲۶ باب ۷ ح ۱۷. ۸۴) نهج البلاغه ص ۱۹۵ خطبه ۱۳۸. ۸۵) کافی، محدث کلینی ج ۱ ص ۵۴ باب البدع و الرأی و المقاییس ح ۲. ۸۶) نهج البلاغه ص ۱۵۶ خطبه ۱۰۸. ۸۷) با توجه به این که تاریخ تنظیم وصیت نامه مربوط به سال ۱۳۷۵ می‌باشد، بحمد اللّه موفق به تألیفات متعدّد و چاپ و احیاء آثاری شدند که برخی در زندگینامه ایشان ذکر گردیده است، همچنین از زحمات تبلیغی این بزرگ مرد به تأسیس شبکه جهانی سلام که اولین شبکه فارسی شیعی می‌باشد، می‌توان اشاره نمود. ۸۸) من لا يحضره الفقیه، شیخ صدوق ج ۱ ص ۴۷۴ باب ثواب صلاة اللیل ح ۱۳۷۳. ۸۹) من لا يحضره الفقیه، شیخ صدوق ج ۴ ص ۳۹۴ ح ۵۸۳۹. ۹۰) شوری / ۲۳. ۹۱) کافی، محدث کلینی ج ۴ ص ۶۰ باب الصدقه لبني هاشم و موالیهم و صلّتهم ح ۹. ۹۲) من لا

یحضره الفقیه، شیخ صدوق ج ۲ ص ۶۵ باب ثواب اصطناع علی العلویة ح ۱۷۲۷. ۹۳) بحار الأنوار ج ۲ ص ۴۴ باب ۱۰ ح ۱۳. ۹۴) من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق ج ۴ ص ۳۸۴ ح ۵۸۳۴. ۹۵) بقره / ۱۵۹. ۹۶) کافی، محدث کلینی ج ۱ ص ۵۴ باب البدع و الرأی و المقایس ح ۲. ۹۷) بحار الأنوار، علامه مجلسی ج ۲ ص ۷۸ باب ۱۳ ح ۶۹. ۹۸) قواعد الأحکام، علامه حلی (حسن بن یوسف بن مطهر أسدی، متوفی ۷۲۶ق) ج ۳ ص ۷۱۴.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت عليهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صد ها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازی های رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ... ح) همکاری افتخاری با ده ها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۵۲۰۲۶۰۱۰۸۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل:

www.eslamshop.com فروشگاه اینترنتی: تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲
 (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده‌ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح‌های توسعه‌ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: ۵۳-۵۳۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۹۰ IR به نام مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در گرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

